



۵۰۰

سؤال گرامر
درس به درس

۳۰۰

سؤال نگارش
درس به درس

۶۵۰

سؤال واژگان
درس به درس

۳۰

متن درک مطلب
درس به درس

۷۰

فایل شنیداری
درس به درس

۳۵

ساعت آموزش تصویری
تمام مباحث

فرمول
یست
زودپی



9 786220 309314

تهران، میدان انقلاب

نبش بازار چه کتاب

www.gajmarket.com

بخش اول

گرامر انگلیسی

1

part one

g

rammar

Grammar

زمان‌های
مهم

پیش از آن‌که مباحث گرامری دوازدهم را آغاز کنیم، باید تعدادی از زمان‌هایی را که در سال‌های قبل خوانده‌اید، مرور کنیم. زمان‌ها پیش‌نیاز تقریباً تمامی مباحث گرامری دوازدهم، به‌خصوص مجهول کردن جملات، مکمل زمان گذشته کامل و دُم‌سؤالی‌ها هستند.

She **drinks** coffee every morning.

او هر صبح قهوه می‌نوشد.

● بیان حقایق علمی، عمومی و دائمی:

The sun **rises** in the east.

خورشید از شرق طلوع می‌کند.

Water **boils** at 100°C.

آب در دمای ۱۰۰ درجه سانتیگراد می‌جوشد.

My parents **live** in Kish Island.

والدینم در جزیره کیش زندگی می‌کنند.

● بیان احساسات یا حالات دائمی:

Maryam **loves** her family.

مریم خانواده‌اش را دوست دارد.

They **believe** in hard work.

آن‌ها به سخت‌کوشی اعتقاد دارند.

● توصیف برنامه‌های از پیش تعیین‌شده در آینده:

The train **leaves** at 8 a.m.

قطار ساعت ۸ صبح حرکت می‌کند.

The class **starts** tomorrow.

کلاس فردا شروع می‌شود.

گاهی قیدهایی که در ادامه ذکر می‌کنیم، می‌توانند از علائم حال ساده باشند، اما اولویت با «درک مفهوم جمله» است، نه وجود قیده‌ها.

زمان حال ساده

شکل ساده فعل + فاعل

(برای فاعل سوم شخص مفرد، S یا es اضافه می‌شود)

He **writes** emails.

او ایمیل می‌نویسد.

They **study** hard.

آن‌ها سخت مطالعه می‌کنند.

طرز ساخت

مثبت

► S/es برای سوم شخص مفرد) شکل ساده فعل + فاعل

He **plays** football.

We **play** football.

منفی

► شکل ساده فعل + do not/does not + فاعل

Hamid **does not watch** TV.

They **do not watch** TV.

سوالی

► Do/Does + فاعل + شکل ساده فعل

Does she **like** coffee?

Do they **like** coffee?

کاربردهای اصلی زمان حال ساده

● بیان عادت‌ها و کارهای روزمره:

I **go** to school every day.

من هر روز به مدرسه می‌روم.

● بیان این که فعلی نه لزوماً در این لحظه، بلکه در حول و حوش زمان حاضر در حال انجام است:

Many birds **are flying** south because the weather **is getting** colder.

بسیاری از پرندگان به دلیل سردتر شدن هوا به سمت جنوب پرواز می‌کنند.

My grandparents **are visiting** us for a few days.

پدربزرگ و مادربزرگم چند روزی مهمان ما هستند.

علائم حال استمراری

at the moment (در حال حاضر) - at present (اکنون) - now
در حال حاضر (for the time being) - (هم‌اکنون)

۳

زمان گذشته ساده

قسمت گذشته فعل + فاعل

I watched a movie last night.

من دیشب فیلم تماشا کردم.

Poya ate lunch 2 hours ago.

پویا ۲ ساعت پیش ناهار خورد.

برای جملات منفی از (didn't) (did not) همراه با شکل ساده فعل استفاده می‌کنیم و برای سوالی کردن این زمان، Did را به ابتدای جمله یعنی قبل از فاعل می‌آوریم.

طرز ساخت

مثبت

قسمت گذشته فعل + فاعل

He **watched** a movie last night.

او دیشب فیلم تماشا کرد.

منفی

شکل ساده فعل + (didn't) (did not)

He **didn't watch** a movie last night.

او دیشب فیلم تماشا نکرد.

سوالی

شکل ساده فعل + فاعل + Did

Did he watch a movie last night?

آیا او دیشب فیلم تماشا کرد؟

نوع قیدها

۱ قیدهای تکرار

always, usually, often, sometimes, rarely, never, hardly ever

۲ قیدهای زمان خاص

every day / week / month / year

on Mondays / Tuesdays

in the morning / afternoon / evening

at night

۳ قیدهای عمومی‌تر

nowadays, these days, today

۲

زمان حال استمراری

فعل ing دار + are/is/am + فاعل

I **am (i'm) Learning** how to play the guitar these days.

این روزها دارم یاد می‌گیرم چطور گیتار بزنم.

She **is (She's) reading** a book about animals right now.

او الان دارد کتابی درباره حیوانات می‌خواند.

My parents **are painting** the kitchen walls white this weekend.

پدر و مادرم این آخر هفته دیوارهای آشپزخانه را سفید رنگ می‌کنند.

برای فاعل I از am، برای فاعل سوم شخص مفرد از is و برای سایر فاعل‌ها از are استفاده می‌شود.

برای منفی کردن حال استمراری، بعد از are / is / am به جمله not اضافه می‌شود و برای سوالی کردن آن، are/is/am را به ابتدای جمله یعنی قبل از فاعل می‌بریم.

طرز ساخت

کاربردهای زمان حال استمراری

● بیان این که فعلی در حال حاضر در حال انجام است:

He **is fixing** his bike because the tire is flat again.

او دارد دوچرخه‌اش را تعمیر می‌کند چون لاستیکش دوباره پنچر شده است.

Is she listening to music or watching a movie in her room?

آیا او در اتاقش به موسیقی گوش می‌دهد یا فیلم تماشا می‌کند؟

نکته

قسمت دوم یا گذشته فعل چیست؟

اگر فعل ما باقاعده باشد، با اضافه کردن ed و گاهی d ساخته می‌شود. اما اگر بی‌قاعده باشد، باید به انتهای کتاب درسی مراجعه کرده و سه قسمت افعال بی‌قاعده را حفظ کنید. ستون دوم که بالای آن نوشته شده "Past Simple" همان قسمت دوم یا گذشته فعل است. اگر جای شما باشم، حداقل روزانه پنج فعل را حفظ می‌کنم!!

افعال باقاعده

معنی	قسمت سوم فعل (p.p.)	گذشته ساده	فعل با قاعده
کار کردن	worked	worked	work
بازی کردن	played	played	play
تماشا کردن	watched	watched	watch
تمیز کردن	cleaned	cleaned	clean
شروع کردن	started	started	start

افعال بی‌قاعده

معنی	قسمت سوم فعل (p.p.)	گذشته ساده	فعل بی‌قاعده
رفتن	gone	went	go
دیدن	seen	saw	see
خوردن	eaten	ate	eat
آمدن	come	came	come
گرفتن	taken	took	take

کاربردهای زمان گذشته ساده

● بیان فعالیت‌ها یا وقایع کامل شده در گذشته:

I **visited** Paris last year.

سال گذشته به پاریس سفر کردم.

Sara **finished** her homework two hours ago.

سارا تکالیفش را دو ساعت پیش تمام کرد.

● توصیف عادت‌ها یا کارهای مکرر در گذشته:

When I **was** a child, I **walked** to school every day.

وقتی بچه بودم، هر روز پیاده به مدرسه می‌رفتم.

He always **played** soccer on Sundays.

او همیشه یکشنبه‌ها فوتبال بازی می‌کرد.

● بیان حقایق یا موقعیت‌های مربوط به گذشته:

The Titanic **sank** in 1912.

کشتی تایتانیک در سال ۱۹۱۲ غرق شد.

Einstein **developed** the theory of relativity.

اینشتین نظریه نسبیت را توسعه داد.

● داستان‌گویی و توصیف وقایع بی‌درپی در گذشته:

Arshia **woke up**, **brushed** his teeth, and **went** to work.

عرشیا بیدار شد، دندان‌هایش را مسواک زد و به سرکار رفت.

We **entered** the room, **turned** on the lights, and **saw** the surprise.

وارد اتاق شدیم، چراغ‌ها را روشن کردیم و سورپرایز را دیدیم.

قیدهای زیر می‌توانند، از علائم زمان گذشته ساده باشند:

- yesterday (دیروز)
- last week/month/year (هفته/ماه/سال گذشته)
- two days ago (دو روز پیش)
- in 1990 (در سال ۱۹۹۰)

۴

زمان گذشته استمراری

فعل ing دار + were/was + فاعل

She **was cooking** dinner when the phone started ringing.

او داشت شام درست می‌کرد که تلفن شروع به زنگ خوردن کرد.

While I **was waiting** for the bus, I was reading the news on my cell phone.

در حالی که منتظر اتوبوس بودم، داشتم اخبار را در تلفن همراهم می‌خواندم.

They **were playing** football in the park at 4 p.m yesterday.

آن‌ها دیروز ساعت ۴ بعد از ظهر در پارک فوتبال بازی می‌کردند.

برای فاعل I و فاعل سوم شخص مفرد از was و برای سایر فاعل‌ها از were استفاده می‌شود.

برای منفی کردن گذشته استمراری، بعد از were/was به جمله not اضافه می‌شود و برای سوالی کردن آن، was/

were را به ابتدای جمله یعنی قبل از فاعل می‌بریم.

کاربردهای زمان حال کامل

● بیان تجربه‌ها در زندگی (بدون ذکر زمان مشخص):

I **have visited** Paris.

من به پاریس رفته‌ام.

Roshanak **has never eaten** sushi.

روشنک هرگز سوشی نخورده است.

● بیان کارهایی که به تازگی به پایان رسیده‌اند. (به وجود **just** و **already** دقت کنید):

I **have just finished** my homework.

من همین حالا تکالیفم را تمام کرده‌ام.

Simin **has already left**.

سیمین قبلاً رفته است.

● بیان کارهایی که در گذشته شروع شده‌اند و هنوز ادامه دارند (به وجود **for** (به مدت) و **since** (از، از زمانی که) دقت کنید):

I **have lived** in this city **for** five years.

من به مدت پنج سال در این شهر زندگی کرده‌ام.

We **have known** each other **since** childhood.

ما از کودکی یکدیگر را می‌شناسیم.

● بیان نتیجه یا تأثیر عملی از گذشته تا حال:

Molouk **has broken** her leg, so she can't walk.

پای ملوک شکسته است، بنابراین نمی‌تواند راه برود.

It **has rained**, so the ground is wet.

باران باریده، بنابراین زمین خیس است.

نکته

برای منفی کردن از have not (haven't) و has not (hasn't) استفاده می‌کنیم. برای پرسشی کردن نیز Have و Has را در ابتدای جمله، قبل از فاعل، می‌آوریم. در هر صورت از قسمت سوم فعل به طور ثابت استفاده می‌شود.

They **haven't finished** their homework yet.

آن‌ها هنوز تکالیف‌شان را تمام نکرده‌اند.

She **hasn't called** me since last week.

او از هفته گذشته به من زنگ نزده است.

Have we decided where to go for vacation?

آیا تصمیم گرفته‌ایم برای تعطیلات به کجا برویم؟

Has he received the package?

آیا او بسته را دریافت کرده است؟

کاربردهای زمان گذشته استمراری

● فعلی که در گذشته توسط فعل دیگری قطع شده است (در این شرایط برای فعل طولانی‌تر از زمان گذشته استمراری و برای فعل کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده استفاده می‌شود). معمولاً این دو زمان با کلمات ربط **while**، **when** و **as** به هم وصل می‌شوند.

They **were waiting** for the train **when** it suddenly **got** canceled.

آن‌ها منتظر قطار بودند که ناگهان آن [سفر] لغو شد.

She **wasn't watching** the road **when** the accident **happened**.

او هنگام تصادف به جاده نگاه نمی‌کرد.

● دو یا چند فعلی که در گذشته به صورت هم‌زمان در حال انجام بوده‌اند:

He **was listening** to music **while** he **was driving** to work.

او هنگام رانندگی به سمت محل کار، به موسیقی گوش می‌داد.

She **was studying** for her exam **while** her friends **were chatting** online.

او در حالی که دوستانش در حال چت آنلاین بودند، برای امتحانش درس می‌خواند.

● فعلی که در زمان خاصی در گذشته در حال انجام بوده، ولی زمان دقیق آغاز یا پایان آن مشخص نشده است:

What **were** you **doing** at 10 o'clock last night?

دیشب ساعت ۱۰ داشتی چه کار می‌کردی؟

The children **were playing** football in the park at 4 p.m. yesterday.

بچه‌ها دیروز ساعت ۴ بعد از ظهر در پارک فوتبال بازی می‌کردند.



زمان حال کامل

► **have / has + قسمت سوم فعل** (p.p.)

I **have seen** that movie before.

من قبلاً آن فیلم را دیده‌ام.

My father **has written** two important emails.

پدرم دو ایمیل مهم نوشته است.

برای فاعل سوم شخص مفرد از 'has' و برای سایر فاعل‌ها از 'have' استفاده می‌شود.

قسمت سوم افعال با قاعده با اضافه کردن ed و گاهی ساخته می‌شود. برای افعال بی‌قاعده نیز باید قسمت سوم آن‌ها را که در انتهای کتاب درسی آمده است، حفظ کنید.

قیدهای سوالی و منفی

● **yet:** برای سوالات یا جملات منفی به معنای «هنوز»

I haven't called Noushin **yet**.

هنوز به نوشین زنگ نزده‌ام.

Have you finished your report **yet**?

آیا گزارشت را هنوز تمام نکرده‌ای؟

قیدهای زمان تا حالا

● **up to now / till now / so far:** برای بیان کارهایی که تا این

لحظه ادامه داشته‌اند، به معنی «تاکنون، تا حالا»

I have completed five projects **up to now**.

تا حالا پنج پروژه را تکمیل کرده‌ام.

We have visited three museums **so far**.

تا کنون از سه موزه بازدید کرده‌ایم.

! نکته

به طور کلی، برای تشخیص زمان‌ها بهتر است ابتدا به معنی و مفهوم جمله دقت کنیم و سپس به سراغ علائم یا قیدهای جمله برویم. برخی از قیدها بین چند زمان مشترک هستند، پس لطفاً دقت کنید!

۶

زمان آینده ساده

شکل ساده فعل + will + فاعل ▶

The world **will change** a lot in the next decade.

جهان در دهه آینده خیلی تغییر خواهد کرد.

You forgot your lunch again? I'll **bring** it to your office later

دوباره ناهارت را فراموش کردی؟ بعداً آن را به دفترت می‌آورم.

I'll **drive** you to the station, so you don't miss your train

من تو را به ایستگاه می‌رسانم تا قطارت را از دست ندهی.

برای ضمائر فاعلی به جای Will می‌توانیم از شکل

مخفف 'll هم استفاده کنیم. برای جملات منفی از

(won't) will not همراه با شکل ساده فعل استفاده

می‌کنیم و برای سؤالی کردن این زمان، will را به ابتدای

جمله یعنی قبل از فاعل می‌بریم.

طرز ساخت

دسته‌بندی قیدها

مهم ترین قیدهای زمان حال کامل عبارتند از:

۱ قیدهای تجربه ۲ قیدهای تازگی

۳ قیدهای مدت زمان ۴ قیدهای سوالی و منفی

۵ قیدهای زمان تا حالا

قیدهای تجربه

● **ever:** برای سوالات تجربه به معنای «تا حالا»

Have you **ever** been abroad?

آیا تا حالا خارج از کشور رفته‌ای؟

● **never:** برای تجربه‌های منفی به معنای «هرگز»

I have **never** eaten sushi.

من هرگز سوشی نخورده‌ام.

قیدهای تازگی

● **just:** برای کارهایی که همین حالا تمام شده‌اند، به معنای «همین

حالا»

I have **just** finished my homework.

من همین حالا تکالیفم را تمام کرده‌ام.

● **already:** برای کارهایی که پیش از انتظار انجام شده‌اند، به

معنای «قبلاً»

Simin has **already** left.

سیمین قبلاً رفته است.

● **recently / lately:** برای بیان کارهایی که در گذشته نزدیک

انجام شده‌اند، به معنای «اخیراً»

I have started a new job **recently**.

من به تازگی شغل جدیدی را شروع کرده‌ام.

Zhila has **recently** moved to a new city.

ژیلا به تازگی به شهر جدیدی نقل مکان کرده است.

قیدهای مدت زمان

● **for:** برای مدت زمان مشخص به معنای «به مدت»

I have worked here **for** three years.

من به مدت سه سال اینجا کار کرده‌ام.

● **since:** برای زمان شروع مشخص به معنای «از، از زمانی که»

They have lived in this house **since** 2015.

آن‌ها از سال ۲۰۱۵ در این خانه زندگی کرده‌اند.

● پیشنهاد یا درخواست:

I'll **lend** you some money until payday.

تا روز [گرفتن] حقوق بهت یه کم پول قرض می‌دم.

Will you **help** me finish this report before the manager arrives tomorrow?

می‌شه کمکم کنی این گزارش رو قبل از این که مدیر فردا بیاد تموم کنم؟

● قول:

I **will** always **support** you, no matter what happens in the future.

من همیشه از تو حمایت خواهم کرد، مهم نیست در آینده چه

اتفاقی بیفتد.

● امور حتمی در آینده که ماهیت شخصی ندارد. (یعنی به ابر نمی‌گردد.)

Christmas **will be** on a Thursday this year.

کرسمس امسال در روز پنجشنبه خواهد بود.

به مثال‌های زیر دقت کنید و زمان فعل‌ها را حدس بزنید. همچنین، مشخص کنید که آیا فعل جمله باقاعده است یا بی‌قاعده؟ در صورت امکان، مفعول جمله را نیز پیدا کنید تا به تدریج وارد مبحث مجهول کردن شویم.

We have donated some clothes and toys to the local charity organization.

ما مقداری لباس و اسباب‌بازی به سازمان خیریه محلی اهدا کرده‌ایم.

She always writes detailed reports for her manager every week.

او همیشه گزارش‌های دقیقی برای مدیرش هر هفته می‌نویسد.

I have already submitted the application form to the university.

من فرم درخواست را قبلاً به دانشگاه ارسال کرده‌ام.

They often buy fresh vegetables from the farmer's market on weekends.

آن‌ها اغلب آخر هفته‌ها از بازار میوه و تره‌بار سبزیجات تازه می‌خرند.

The teacher explains the complex concepts to the students very clearly.

معلم مفاهیم پیچیده را خیلی واضح برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد.

They have built a new playground for the children in the community.

آن‌ها یک زمین بازی جدید برای کودکان در محله ساخته‌اند.

کاربردهای زمان آینده ساده

● پیش‌بینی انجام فعل در زمان آینده بر مبنای نظر و اعتقاد شخصی:

I believe he **will succeed** in his new job.

من معتقدم که او در شغل جدیدش موفق خواهد شد.

That new restaurant **will be** full every night once people hear about it.

به محض این که مردم از آن باخبر شوند، آن رستوران جدید هر شب

پر [از مشتری] خواهد بود.

! نکته

در صورتی که برخلاف این کاربرد آینده ساده، پیش‌بینی بر مبنای نشانه‌ها و شواهد موجود باشد (نه صرفاً بر مبنای نظر و اعتقاد شخصی)، به جای آینده ساده از **be going to** استفاده می‌شود:

Look at those dark clouds – **it's going to rain** very soon.

به آن ابرهای تیره نگاه کن – خیلی زود باران خواهد بارید.

The team is playing terribly – they're **going to lose** this match badly.

تیم خیلی بد بازی می‌کند – آن‌ها این مسابقه را بدجوری خواهند باخت.

● تصمیمات آنی و لحظه‌ای:

That's a great idea! I'll **do it** right now.

فکر خیلی خوبیه! همین الان انجامش می‌دم.

Oh no, your phone fell!! I'll **pick it up** for you.

اوه نه، گوشیت افتاد! من برات برش می‌دارم.

! نکته

البته اگر تصمیم‌گیری بر مبنای قصد و برنامه‌ریزی قبلی باشد، به جای آینده ساده از **be going to** استفاده می‌کنیم:

I'm **going to visit** my grandparents this weekend because I haven't seen them lately.

قصد دارم این آخر هفته به دیدن پدر بزرگ و مادر بزرگم بروم چون

اخیراً آن‌ها را ندیده‌ام.

My brother **is going to study** architecture at university this fall.

برادر من برنامه دارد پاییز امسال در دانشگاه معماری بخواند.

Last night, he wrote a long letter to his best friend.

دیشب، او یک نامه طولانی برای بهترین دوستش نوشت.

I was washing the dishes when I broke a glass accidentally.

داشتم ظرف‌ها را می‌شستم که تصادفاً لیوانی شکست.

My sister is fixing her broken bicycle in the backyard at the moment.

خواهرم الان دارد دوچرخه خرابش را در حیاط خلوت تعمیر می‌کند.

The students are going to prepare a play for the school festival.

دانش‌آموزان قرار است برای جشنواره مدرسه نمایشی آماده کنند.

They will open the shop at exactly eight o'clock in the morning.

آن‌ها دقیقاً ساعت هشت صبح مغازه را باز خواهند کرد.

She was painting a picture of a tree while music was playing softly.

او داشت تصویر یک درخت را نقاشی می‌کرد در حالی که موسیقی ملایمی پخش می‌شد.

I am organizing the bookshelf by color to make it look better.

من دارم قفسه کتاب را بر اساس رنگ مرتب می‌کنم تا زیباتر به نظر برسد.

They will send an invitation to all their family members.

آن‌ها برای همه اعضای خانواده‌شان دعوت‌نامه خواهند فرستاد.

Every morning, she feeds her cat and waters the plants in the garden.

هر صبح، او به گربه‌اش غذا می‌دهد و گیاهان باغچه را آبیاری می‌کند.

Two days ago, they painted the walls of their living room with bright colors.

دو روز پیش، آن‌ها دیوارهای اتاق نشیمن خود را با رنگ‌های روشن رنگ‌آمیزی کردند.

Yesterday, she bought a beautiful dress for her sister's birthday party.

دیروز، او یک لباس زیبا برای جشن تولد خواهرش خرید.

He usually sends emails to his colleagues before the meetings.

او معمولاً قبل از جلسات ایمیل‌هایی به همکارانش ارسال می‌کند.

He gave his old books to the library last month.

او ماه گذشته کتاب‌های قدیمی‌اش را به کتابخانه اهدا کرد.

She has just finished her project and shared it with her supervisor.

او همین حالا پروژه‌اش را تمام کرده و با سرپرستش به اشتراک گذاشته است.

We cleaned the windows and rearranged the furniture in the house.

ما پنجره‌ها را تمیز کردیم و مبلمان خانه را دوباره مرتب کردیم.

He has never visited the historical museum in the city center.

او هرگز از موزه تاریخی در مرکز شهر بازدید نکرده است.

یادداشت:



Grammar

1 Passive Voice

2 See Also (Tag questions)

حالت مجهول (Passive Voice)

سوالات: ۱ تا ۹۸

بیسته

۲ سپس بعد از مفعول (که حالا فاعل است) از فعل اسنادی "was" و قسمت سوم فعل (p.p.) استفاده کردیم.

نکته

بعد از اینکه مفعول را به ابتدای جمله آوردیم، تمام تلاشمان در جمله مجهول این است که یک فعل to be متناسب با زمان جمله استفاده کنیم.

۳ اگر بخواهیم فاعل را هم ذکر کنیم، آن را بعد از حرف اضافه "by" بعد از (p.p.) می آوریم.

نکته

اگر فاعل جزو ضمایر فاعلی (یعنی I / we / it / she / he / you / they) بود، در هنگام بردن آن به بعد از حرف اضافه "by" در جمله مجهول به جایش از ضمیر مفعولی مناسب (یعنی me / them / us / it / her / him / you) استفاده می کنیم:

معلوم He cleans the windows twice a week.

مجهول The windows are cleaned by him twice a week.

نکته

خانواده افعال to be عبارتند از:

• am	• is	• are	• was
• were	• be	• being	• been

در درس ۱ کتاب دوازدهم، فقط مجهول زمان های حال ساده، گذشته ساده و حال کامل را می خوانیم و اصلاً هم نیازی به یادگیری مجهول سایر زمان ها برای امتحان نهایی نیست.

برای اینکه وجه مجهول را به زبان انگلیسی خوب یاد بگیریم، ابتدا باید مفهوم مجهول را در زبان فارسی درک کنیم. برای مثال:

مجهول این جمله چیست؟ «سارا ایمیل را فرستاد.»

آفرین! مجهول این جمله می شود: «ایمیل فرستاده شد.»

همان طور که مشاهده کردید، در زبان فارسی، برای مجهول کردن جمله، ابتدا فاعل را حذف کردیم و مفعول را به ابتدای جمله آوردیم.

سپس فعل را به صفت مفعولی (بن ماضی + ه) تبدیل کردیم و در نهایت از یک فعل اسنادی (ربطی) متناسب با زمان جمله استفاده کردیم. اتفاقاً این فعل اسنادی «شدن» نشانه اصلی جملات مجهول در هنگام ترجمه به فارسی است.

حال به بررسی جمله مجهول در زبان انگلیسی می پردازیم:

معلوم Sara sent the email.

مجهول The email was sent (by Sara).

همان طور که در مثال بالا دیدید (درست مثل زبان فارسی خودمان):
۱ ابتدا مفعول (the email) را به ابتدای جمله آوردیم.

نکته

اگر مفعول جزو ضمایر مفعولی (یعنی I / me / you / him / her / it / us / them) بود، در هنگام بردن آن به ابتدای جمله مجهول باید به جایش از ضمیر فاعلی مناسب (یعنی I / she / he / you / him / her / it / us / them) استفاده کنیم:

معلوم We sold them at a very high price last year.

مجهول They were sold at a very high price last year.

فرمول ساخت فعل مجهول

● زمان حال ساده:

► am / is / are + (p.p.)

معلوم I write the letter.

مجهول The letter **is** written.

● زمان گذشته ساده:

► was / were + (p.p.)

معلوم I wrote the letter.

مجهول The letter **was** written.

● زمان حال کامل (ماضی نقلی در فارسی):

► have / has + been + (p.p.)

معلوم I have written the letter.

مجهول The letter has **been** written.

برای اینکه دستتان راه بیفتد، جملات زیر را به مجهول تبدیل کنید و سپس پاسخ خود را با پاسخ من مقایسه کنید.



1 They write books about history.

2 The chef cooks delicious meals every day.

3 Scientists discover new planets regularly.

4 She completed her homework last night.

5 The manager organized the meeting yesterday.

6 They built a new bridge last year.

7 The students have solved the problem.

8 He has cleaned the rooms.

9 We have planted several trees in the garden.

1 Books about history are written (by them).

2 Delicious meals are cooked (by the chef) every day.

3 New planets are regularly discovered (by scientists).

4 Her homework was completed (by her) last night.

5 The meeting was organized (by the manager) yesterday.

6 A new bridge was built (by them) last year.

7 The problem has been solved (by the students).

8 The rooms have been cleaned (by him).

9 Several trees have been planted (by us) in the garden.

پاسخ

روش مجهول کردن جملات منفی و پرسشی

● جملات منفی: برای مجهول کردن جملات منفی، کافی است بعد از

فعل کمکی از کلمه "not" یا بسته به فعل to be مورد استفاده، از شکل مخفف مناسب استفاده کنیم.

معلوم He doesn't open the book.

او کتاب را باز نمی‌کند.

مجهول The book isn't opened.

کتاب باز نمی‌شود.

● جملات پرسشی: برای مجهول کردن جملات پرسشی (با فعل کمکی

یا کلمه پرسشی)، فعل کمکی را قبل از نایب فاعل (مفعول جمله معلوم) می‌آوریم.

معلوم Does the police officer catch the thief?

آیا پلیس دزد را می‌گیرد؟

مجهول Is the thief caught by the police officer?

آیا دزد توسط پلیس گرفته می‌شود؟

معلوم When did they build the church?

آنها کلیسا را کی ساختند؟

مجهول When was the church built?

کلیسا کی ساخته شد؟

فعل گذرا (متعدی) چیست؟

فعلی است که اگر آن را در برابر «چه چیزی را؟ چه کسی را؟» قرار دهیم، معنی پیدا می‌کند و به مفعول نیاز دارد؛
مانند: خوردن، بردن، کشتن، پاسخ دادن، فرستادن، نوشتن، بیدار کردن، ...

فعل ناگذر (لازم) چیست؟

فعلی است که اگر آن را در برابر «چه چیزی را، چه کسی را» قرار دهیم معنی پیدا نمی‌کند و به مفعول نیاز ندارد؛
مانند: مردن، رفتن، زندگی کردن، قدم زدن، ...

چطور به معلوم یا مجهول بودن یک تست پی ببریم؟

برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن یک تست، از دو روش می‌توان استفاده کرد:

روش اول:

جمله را به فارسی ترجمه کنید تا ببینید به صورت معلوم ترجمه می‌شود یا مجهول.

اگر جمله به صورت مجهول ترجمه شد، به احتمال زیاد در انگلیسی هم مجهول است.

روش دوم:

ببینید فعل جمله گذرا (متعدی) است یا ناگذر (لازم). اگر گذرا بود و بعد از جای خالی مفعول نیامده باشد، جمله مجهول است. فعل ناگذر (لازم) هم اصلاً مجهول نمی‌شود.

دُم سؤالی (Tag questions)

سؤالات: ۹۹ تا ۱۷۵

۲

بسته

نکات دُم سؤالی

① دُم سؤالی از دو کلمه تشکیل شده است:

– فعل کمکی خود جمله اصلی (اگر منفی بود، آن را به صورت مخفف می‌نویسیم).

– ضمیر فاعلی

● Zhila can play the guitar, **can't she?**

ژیلا می‌تواند گیتار بزند، مگر نه؟

فعل‌های کمکی عبارتند از:

- | | | |
|----------|---------|---------|
| ● am | ● is | ● are |
| ● was | ● were | ● do |
| ● does | ● did | ● have |
| ● has | ● had | ● can |
| ● could | ● will | ● would |
| ● may | ● might | ● shall |
| ● should | ● must | |

ضمایر فاعلی عبارتند از:

- | | | |
|------|--------|----------|
| ● I | ● you | ● he/she |
| ● we | ● they | ● it |

قبل از هر چیز، به دُم سؤالی‌هایی که در انتهای جملات آمده دقت کنید.

● It is a lovely day, **isn't it?**

امروز روز زیبایی است، این‌طور نیست؟

● You haven't done your homework, **have you?**

تو تکلیف‌ت را انجام نداده‌ای، درست است؟

● There is a problem here, **isn't there?**

اینجا مشکلی وجود دارد، این‌طور نیست؟

● Hamid never says a word, **does he?**

حمید هرگز چیزی نمی‌گوید، درست است؟

به انتهای جملات انگلیسی بالا دقت کنید. به آنها پرسش تأکیدی یا پرسش تأییدی یا حتی دُم سؤالی می‌گویند که در فارسی به صورت «این‌طور نیست؟»، «درست است؟»، «مگر نه؟» ترجمه می‌شود.

اگر بخواهیم شنونده حرف ما را تأیید کند یا از مسئله‌ای کسب اطمینان کنیم از «دُم سؤالی» استفاده می‌کنیم.

- He never forgets his keys, **does he?**

او هرگز کلیدهایش را فراموش نمی‌کند، این طور نیست؟

- They never play football on Sundays, **do they?**

آن‌ها هرگز روزهای یکشنبه فوتبال بازی نمی‌کنند، این طور نیست؟

- There is no reason to be upset, **is there?**

هیچ دلیلی برای ناراحتی وجود ندارد، وجود دارد؟

- You have hardly spoken all day, **have you?**

تو در تمام روز به ندرت صحبت کرده‌ای، مگر نه؟

- There will be no meeting tomorrow, **will there?**

فردا هیچ جلسه‌ای نخواهد بود، مگر نه؟

نکته !

همانطور که در دوتا از مثال‌های بالا دیدید، اگر جمله با there شروع شود، در دُم سوالی هم از خود there به جای ضمیر فاعلی استفاده می‌کنیم.

- There has been no progress on the project, **has there?**

هیچ پیشرفتی در پروژه نبوده است، بوده است؟

- اگر فاعل جمله با this, that باشد، ضمیر فاعلی در دُم سوالی it است، و اگر جمله با these, those شروع شود، ضمیر فاعلی در دُم سوالی they است.

- This isn't true, **is it?**

این حقیقت ندارد، مگر نه؟

- Those boys are very clever, **aren't they?**

آن پسرها بسیار باهوش هستند، این طور نیست؟

- در جملات مرکب که دو جمله با یک حرف ربط وابسته ساز به هم متصل می‌شوند، دُم سوالی را بر اساس جمله پایه (جمله‌ای که بدون حرف ربط است و از لحاظ معنایی مستقل است) می‌سازیم.

- If you study hard, **you will pass the exam, won't you?**

اگر سخت درس بخوانی، در امتحان قبول خواهی شد، این طور نیست؟

- Although he is very tired, **he still works late, doesn't he?**

با اینکه خیلی خسته است، همچنان تا دیر وقت کار می‌کند،

این طور نیست؟

- اگر جمله اصلی مثبت بود، دُم سوالی منفی است و بالعکس.

- Hamid is happy, **isn't he?**

حمید خوشحال است، این طور نیست؟

- Hamid **isn't** happy, **is he?**

حمید خوشحال نیست، این طور نیست؟

- همیشه باید در دُم سوالی، از فعل کمکی خود جمله اصلی استفاده کنیم. اما در جملات مثبت زمان‌های حال ساده و گذشته ساده، فعل کمکی وجود ندارد. بنابراین در مواردی که در جمله اصلی فعل کمکی نداریم، در دُم سوالی زمان حال ساده از do یا does، و در دُم سوالی زمان گذشته ساده از did استفاده می‌کنیم.

- Tara studies every day, **doesn't she?**

تارا هر روز درس می‌خواند، این طور نیست؟

- The students play football, **don't they?**

دانش آموزان فوتبال بازی می‌کنند، این طور نیست؟

- You went to school yesterday, **didn't you?**

تو دیروز به مدرسه رفتی، این طور نیست؟

نکته !

البته در مورد افعال to be یا مشتقات فعل do، حتی اگر این افعال به عنوان فعل اصلی جمله (و نه فعل کمکی)، مورد استفاده قرار گرفته باشند، خود آن‌ها را در دُم سوالی مورد استفاده قرار می‌دهیم:

- He is twenty years old, **isn't he?**

او بیست سال دارد، مگه نه؟

- You did your homework, **didn't you?**

تکالیف را انجام دادی، مگه نه؟

- اگر در جمله یک قید یا عامل منفی‌ساز وجود داشت، جمله اصلی منفی محسوب می‌شود و دُم سوالی باید به صورت مثبت نوشته شود. این کلمات عبارتند از:

● never	● rarely	● hardly
● seldom	● no	● no one
● nothing	● nowhere	● none
● neither	● little	● few

I / We...

- think
- guess
- believe
- heard
- suppose
- assume
- know that
- am / are sure
- have heard that...

- I've heard that **Ali can play the piano well**, can't he?

شنیده‌ام که علی می‌تواند خوب پیانو بزند، مگر نه؟

- I suppose that **this team will win the game**, won't it?

تصور می‌کنم که این تیم برنده بازی خواهد شد، مگر نه؟

نکته !

اگر فاعل جمله پایه به جای **I** و **we** چیز دیگری باشد، دُم سوالی را عموماً برای جمله اول می‌آوریم.

- **Hamid believes** that Ali can play the piano well, doesn't he?

حمید معتقد است که علی می‌تواند خوب پیانو بزند، مگر نه؟

- **He guesses** that I will tell Simin the truth, doesn't he?

او حدس می‌زند که حقیقت را به سیمین خواهم گفت، مگر نه؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- Because it's raining, **they won't go to the park, will they?**

چون باران می‌بارد، به پارک نخواهند رفت، این طور نیست؟

- If we leave now, **we can catch the bus, can't we?**

اگر الان برویم، می‌توانیم به اتوبوس برسیم، این طور نیست؟

- **They are enjoying the picnic**, although the weather is cold, **aren't they?**

با اینکه هوا سرد است، از پیک‌نیک لذت می‌برند، این طور نیست؟

- If he had studied harder, **he would have passed the test, wouldn't he?**

اگر سخت‌تر درس خوانده بود، در آزمون قبول می‌شد، این طور نیست؟

- Because she didn't call, **you got worried, didn't you?**

چون او تماس نگرفت، نگران شدم، این طور نیست؟

- گاهی اوقات تشخیص فعل کمکی مخفف در جمله اول کمی دشوار است. برای اینکه فعل کمکی را تشخیص دهیم باید به فعل بعد از آن توجه کنیم.

- ▶ **'s + ing = is**

- He's going to school, isn't he?

- ▶ **'s + p.p. = has**

- He's gone to school, hasn't he?

- ▶ **'s + p.p. (مجهول) = is**

- It's written, isn't it?

- ▶ **'s + صفت = is**

- He's angry, isn't he?

- ▶ **'d + p.p. = had**

- He'd gone to school, hadn't he?

- ▶ **'d + شکل ساده فعل = would**

- He'd go to school, wouldn't he?

- دُم سوالی را برای جملاتی که به دنبال جملات زیر می‌آیند، می‌آوریم چون این جملات خودشان خبری را منتقل نمی‌کنند. به این جملات **comment clause** می‌گویند. (به فاعل **I** و **we** دقت کنید)

پرسش‌های بسته ۱

تیپ‌شناسی

برای این‌که بدونی تستی از مبحث جملات مجهول هستش یا نه، فقط کافیه به کلمه یا عبارت قبل از جای خالی نگاه کنی. اگه طبق معنی جمله، کلمه یا عبارت قرار گرفته قبل از جای خالی، فاعل (یعنی انجام‌دهنده) فعلی جای خالی بود، خب با جمله معلوم سروکار داریم و به مبحث مجهولات ربطی نداره. ولی اگه دیدی که کلمه یا عبارت قرار گرفته قبل از جای خالی، مفعول فعل هستش، در این صورت در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم.

حالا از کجا بفهمیم قبل از جای خالی فاعل داریم یا مفعول؟ خب باید جمله رو ترجمه کنیم تا متوجه بشیم که آیا اسم قرار گرفته قبل از جای خالی، فعل رو انجام داده یا فعل روی اون انجام شده.

در واقع، اگه می‌خوای تو تست‌ها عالی عمل کنی، اول باید سوال رو خوب درک کنی و بعد سراغ نکات گرامری بری! برای شروع، درست خواندن کتاب درسی خیلی بهت کمک می‌کنه. برنده اونیه که به ترجمه کتاب درسی و کتاب کار مدرسه مسلطه.

معمولاً طراح‌های امتحان نهایی در تست‌های مبحث مجهولات، یکی دو تا از گزینه‌ها رو با ساختار مجهول (یعنی to be + p.p. میارن. پس اگه دیدی که قبل از جای خالی، مفعول فعل جای خالی رو داریم، جواب بین گزینه‌های مجهول (یعنی to be + p.p.) هستش و باید با در نظر گرفتن معنی جمله و نشانه‌هایی همچون قیدهای زمانی (مثل yesterday برای گذشته ساده یا every day برای حال ساده) گزینه مجهول درست رو پیدا کنی.

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

الف

- Many new books by the publisher two months ago.
 ① are printed ② have been printed ③ were printed ④ printed
- These books in many countries around the world.
 ① read ② are read ③ have read ④ are reading
- Bread in almost every country of the world.
 ① eats ② ate ③ is eaten ④ has been eaten
- The bridge since last year due to safety concerns.
 ① has been repaired ② has repaired ③ is repaired ④ was repaired
- All letters carefully before being sent.
 ① check ② are checked ③ checked ④ have checked
- Many new jobs in this area for the past five years.
 ① have created ② were created ③ are created ④ have been created
- A lot of research on this topic recently by scientists.
 ① has been done ② has done ③ was done ④ have been done
- No action to solve the problem since it was reported.
 ① has taken ② has been taken ③ is taken ④ was taken
- A lot of money on advertising every year.
 ① are spent ② has spent ③ spent ④ is spent
- Veresk bridge many years ago by some engineers, and it is still very strong.
 ① was built ② built ③ is built ④ has built

- 11 All the emails that are sent to this office carefully by the secretary before they are forwarded to the manager.
 1 read 2 have read 3 are read 4 were read
- 12 The invitations for the party last week by the teacher and given to all students.
 1 were prepared 2 prepared 3 are prepared 4 have prepare
- 13 The first version of this app by a small team in 2019.
 1 was developed 2 developed 3 is developed 4 has developed
- 14 The team worked hard to fix the problem. A lot of time on finding the right solution.
 1 have been spent 2 spent 3 spends 4 was spent
- 15 A new science lab in the school building recently, and it will be opened next month.
 1 has built 2 has been built 3 built 4 is built
- 16 A lot of questions by students in the classroom to help them understand the subject better.
 1 are asked 2 ask 3 asked 4 have asked
- 17 Many new books to the school library recently, so students can use them for their projects.
 1 have been added 2 have added 3 were added 4 are adding
- 18 Important information during the meeting by the manager to ensure everyone understood the new policy.
 1 have been shared 2 shared 3 was shared 4 is sharing
- 19 The windows in the house yesterday by the cleaner to make them look clean.
 1 are washed 2 washed 3 were washed 4 have washed
- 20 The rules of the school for the past two years to make them more suitable for students.
 1 are changed 2 has changed 3 were changed 4 have been changed
- 21 The buses last Monday by the mechanics to make sure they were safe for the students.
 1 were checked 2 checked 3 are checked 4 have checked
- 22 Books in the school library by students who borrow them for their studies.
 1 were used 2 use 3 are used 4 have used
- 23 The school website recently, and it now looks more modern and easier to use.
 1 is updated 2 has updated 3 was updated 4 has been updated
- 24 The plants in the garden by the gardener every morning to make sure they grow well.
 1 water 2 were watered 3 are watered 4 have watered
- 25 Vegetables used in this restaurant's dishes from local farms to ensure freshness and quality.
 1 buy 2 are bought 3 bought 4 have bought
- 26 Since the beginning of the term, a lot of homework by the students to improve their skills.
 1 does 2 is done 3 was done 4 has been done
- 27 This restaurant as one of the best in the city.
 1 considers 2 is considered 3 was considering 4 has considered

- 28 During the meeting, a lot of valuable advice to the new employees.
 ① was given ② is given ③ has given ④ gives
- 29 Recently, a lot of help to families affected by the floods.
 ① has been offered ② is offered ③ was offered ④ have been offered
- 30 Nelson Mandela for his efforts to bring peace and equality to South Africa.
 ① remembers ② was remembered ③ has remembered ④ is remembered
- 31 A: Are the roads safe? B: No, every year hundreds of people on these roads. خارج خرداد ۹۸
 ① are killed ② are killing ③ have killed ④ have been killed
- 32 I to play ping-pong when I was six years old. شهریور ۹۸
 ① had taught ② was taught ③ taught ④ will be taught
- 33 Hafez to be as one of the most famous Persian poets of all time. شهریور ۹۹
 ① knows ② is known ③ knowing ④ has known
- 34 Alcohol by an Iranian scientist called Razi many years ago. خارج خرداد ۹۹
 ① was discovering ② was discovered ③ has discovered ④ had discovered
- 35 A: What is the problem?
 B: The windows by the boys. شهریور ۹۹
 ① are breaking ② have broken ③ broke ④ have been broken
- 36 Do you know Persian in Tajikistan? خارج شهریور ۱۴۰۰
 ① is spoken ② spoke ③ has spoken ④ speaks
- 37 The first fast food restaurants in our city thirty years ago. دی ۱۴۰۰
 ① opens ② were opening ③ were opened ④ can open
- 38 This book into countless languages including German, English and French. خرداد ۱۴۰۱
 ① has been translated ② had translated
 ③ may translate ④ were translated
- 39 English in many countries. شهریور ۱۴۰۱
 ① speaks ② is speaking ③ is spoken ④ has spoken
- 40 A lot of homework by my brother yesterday. دی ۱۴۰۱
 ① had done ② were done ③ was done ④ did
- 41 Nezami's poems into countless languages since the last century. خرداد ۱۴۰۳
 ① has been translated ② were translated
 ③ had translated ④ have been translated
- 42 Some products by scientists' hard work every year. شهریور ۱۴۰۳
 ① have developed ② had developed ③ were developed ④ are developed
- 43 The robber by the police two days ago. دی ۱۴۰۳
 ① is found ② has found ③ finds ④ was found

تیپ‌شناسی

در این تیپ از سؤالات گرامر هم دقیقاً مثل تیپ قبل، در ابتدا باید متوجه شی که سؤال از مبحث مجهولات هستش یا نه؟ حالا چه جوری؟ دقیقاً به همون شکلی که در مورد تست‌ها بهت گفتم: فقط کافیه به کلمه یا عبارت قبل از جای خالی نگاه کنی. اگه طبق معنی جمله، کلمه یا عبارت قرار گرفته قبل از جای خالی، فاعل (یعنی انجام‌دهنده) فعلِ جای خالی بود، خب جمله معلوم هستش و به مبحث مجهولات ربطی نداره. ولی اگه دیدی که کلمه یا عبارت قرار گرفته قبل از جای خالی، مفعولِ فعل هستش، در این صورت در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم.

ولی خب این‌جا کارمون یک مرحله از تست‌ها سخت‌تره... در مورد تست‌های این مبحث، فقط کافی بود متوجه شی که تست مربوط به مبحث مجهولات هستش. بعدش دیگه می‌تونستی از بین گزینه‌هایی که ساختار مجهول (to be + p.p.) دارن، گزینه درست رو پیدا کنی. ولی این‌جا طراح ازت می‌خواد که هم متوجه شی به ساختار مجهول نیاز داریم و هم این‌که بر مبنای نشانه‌های موجود در جمله، فعل مجهول رو در زمان درست بنویسی. فقط یادت باشه که طراح سؤالات ازت انتظار داره که جملات مجهول رو در یکی از سه تا زمان حال ساده، گذشته ساده و یا حال کامل بنویسی. پس، بعد از این‌که فهمیدی با مجهولات سروکار داری، فقط کافیه متوجه شی کدام یکی از این سه زمان برای جمله مناسب‌تر هستش.

شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

ب

- 44 I have two parrots. They in the cage. (to keep)
- 45 In 1347, this center by Dr. Gharib and one of his close friends. (to found)
- 46 Persian in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (to speak)
- 47 The cake for two hours. (to bake)
- 48 The meeting by the manager two days ago due to technical problems. (to cancel)
- 49 The butter is always in the fridge. (to keep)
- 50 The first television by Baird in 1925. (to invent)
- 51 Jack's money in the train yesterday. (to steal)
- 52 The store a variety of clothes since the beginning of this month. (to sell)
- 53 The broken computer by the IT team this morning, just before an important online class was scheduled to begin. (to repair)
- 54 The streets since the heavy rainfall stopped. (to clean)
- 55 The country a wide range of languages in ancient times. (to speak)
- 56 Respect for others has as an important rule by schools since last year. (to teach)
- 57 Hafez is mostly for special type of poetry that is called Ghazal. (to remember)

- 58 A new medicine by doctors to cure cancer recently. (to make)
- 59 No help to the injured man while the ambulance was on the way. (to offer)
- 60 Do you know a country where a wide range of languages officially? (to speak)
- 61 Penicillin quite accidentally when Alexander Fleming was working on bacteria. (to discover)
- 62 Our elders have either learned, created or up with a set of morals, values and principles in their lives. (to bring)
- 63 Do you know a store where a variety of clothes at discounted prices? (to sell)
- 64 The lost dog by its owner just last week, after being searched for all over the city. (to find)
- 65 The new playground for children in the park last summer, and now it is a favorite spot for families. (to build)
- 66 The students have their respect by helping their teachers recently. (to show)
- 67 Grandparents special gifts by their grandchildren on their birthdays. (to give)
- 68 The project by the team last month. (to complete)
- 69 Is the classroom every day by the students? (to clean)
- 70 Nothing by the students while the teacher was explaining the lesson. (to write)
- 71 Has the road by the workers recently? (to repair)
- 72 Have you about the changes to the schedule? (to inform)
- 73 Was the homework by the students on time yesterday? (to do)
- 74 Children to respect their elders in every culture. (to teach)
- 75 Special care to the elderly in our community. (to provide)
- 76 Respect for elders as an important value in many societies. (to consider)
- 77 The elderly by younger generations in traditional ceremonies. (to honor)
- 78 It that children learn respect by watching their parents. (to believe)
- 79 The book by the famous author in 1995. (to write)
- 80 I know a restaurant in which a variety of sea foods (to serve)
- 81 Nothing about it while I was talking to him. (say)
- 82 Some inventions by accident or scientists' mistakes every year. (to create)
- 83 Many products like light bulb, camera and telephone each year. (to develop)

خرداد ۹۸

خرداد ۹۹

شهریور ۱۴۰۲

تیپ‌شناسی

دقیقاً مثل تیپ قبلی سؤالات مجهول، در این جا هم باید طبق معنی جمله و اسم یا عبارت قرار گرفته پیش از جای خالی متوجه شی که آیا در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم یا نه. البته در این جا دو تا تفاوت با تیپ قبلی سؤالات داریم:

● اول این که برای درست کردن فعل مجهول، باید حواست به تصویر جلوی سؤال هم باشه تا فعل مجهول رو از نظر معنی و مثبت و منفی بودن درست بنویسی.

● دوم این که معمولاً سؤالات این تیپ دو بخش A و B دارن که اتفاقاً معمولاً فعل جمله A هم به صورت مجهول مورد استفاده قرار گرفته. پس، وقتی در سؤالات گرامری تصویردار، بخش A و B دیدی، اول به نگاهی به فعل بخش A بنداز! اگه دیدی فعل جمله A مجهول (to be + p.p.) هستش، به احتمال خیلی خیلی زیاد در بخش B هم به فعل مجهول نیاز داریم.

با توجه به تصاویر داده شده، به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

پ

84 What has been done by the man?

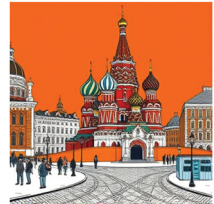
The wall



(to paint)

85 What language is spoken in that country?

Russian



86 What has been done by the police?

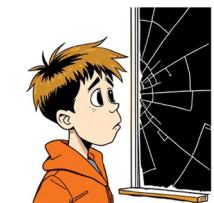
The robber



(to catch)

87 What was done by the boy this morning?

The window by



(to break)

88 What is done by Jonny every day?

English by



(to teach)

89 What is done by Hamid on Fridays?

Lunch by



(Cook Lunch)

90 What was done by the man last Friday?

The car



(to fix)

91 What was done by the boy yesterday?

The vase

خرداد ۱۴۰۲



(To break)

92 A: What is done by the man?

B: The car

شهریور ۱۴۰۳



(to wash)

93 What did the boy do last night?

The dinner by

دی ۱۴۰۲



(to eat)

تیپ‌شناسی

وقتی ازت خواسته میشه کلمات به هم ریخته جمله‌ای رو مرتب کنی، اولین کارِت اینه که بر مبنای نشانه‌های موجود در بین کلمات به هم ریخته، مشخص کنی که سؤال مربوط به کدوم مبحث هستش.... مثلاً وقتی می‌بینی ظاهر افعالی که در کلمات به هم ریخته داریم به فعل مجهول می‌خوره (یعنی to be + p.p)، سعی کن جمله رو با فرض مجهول بودن جمله به صورت کلی ترجمه کنی. اگه به نظرت معنی منطقی و مناسبی داشت، خب جمله رو با همین ذهنیت مرتب کن و کلمات رو دونه دونه سر جاشون قرار بده. همون‌طور که می‌دونی، در جملات خبری انگلیسی (یعنی اونایی که آخرشون نقطه داریم)، معمولاً ابتدا از فاعل استفاده می‌کنیم (البته در جملات مجهول، مفعول جایگزین فاعل در ابتدای جمله میشه)، بعدش فعل (در این مورد فعل مجهول) قرار می‌گیره و بعد از اون هم بقیه اجزای جمله رو به شکل درست قرار می‌دیم. البته اگه جمله سؤالیه بود، فعل کمکی رو به ابتدای جمله منتقل می‌کنیم. این جا هم تمرین و تکرار می‌تونه خیلی کمکت کنه. راستش این تیپ از سؤالات یه ذره از تیپ‌های قبلی سخت‌ترن، ولی چیزی نیست که نتونی از پیشش بریای. تا می‌تونی تمرین داشته باش و از اشتباهات نکته‌برداری کن....

با استفاده از کلمات در هم ریخته زیر یک جمله معنادار بنویسید.

ت

- 94 killed / was / hunter / by / the gazelle / the cruel / .
- 95 given / was / a book / Sina / my mother / for his birthday / by / to / .
- 96 employed / during / a lot of / the last five years / have been / workers / .
- 97 scientists / camera / and / by / were / light bulb / the / invented / ?
- 98 has / Language / studied / for / years / been / many / .

شهریور ۹۸

خارج خرداد ۱۴۰۱

خارج خرداد ۱۴۰۱

بخش دوم

نگارش

2

part two

W

riting

1

Writing

Compound Sentences

کاربرد "but" (اما)

از **but** زمانی استفاده می‌شود که دو ایده یا جمله متضاد را به هم وصل کنیم.

- I wanted to go hiking, **but** it started to rain heavily.
می‌خواستیم به پیاده‌روی بروم، اما باران شدیدی شروع شد.
- Mahsa is very friendly, **but** she doesn't talk much in large groups.
مهسا خیلی خونگرم و مهربان است، اما در جمع‌های بزرگ زیاد حرف نمی‌زند.

کاربرد "or" (یا؛ وگرنه)

- از **or** برای ارائه انتخاب یا جایگزین بین دو چیز استفاده می‌شود.
- We can visit the museum, **or** we can go to the park instead.
می‌توانیم از موزه بازدید کنیم، یا به جای آن به پارک برویم.
 - You should call him now, **or** you might miss the opportunity.
باید الان به او زنگ بزنی، وگرنه ممکن است فرصت را از دست بدهی.
- (or به معنی «وگرنه»، «در غیر این صورت» هم است.)

کاربرد "so" (بنابراین)

- از **so** برای نشان دادن نتیجه یا رابطه علت و معلولی استفاده می‌شود. به عبارتی، جمله دوم نتیجه جمله اول است.
- Sarina studied hard for the exam, **so** she passed with excellent marks.
سارینا برای امتحان سخت درس خواند، بنابراین با نمرات عالی قبول شد.
 - I forgot to set my alarm, **so** I woke up late this morning.
فراموش کردم زنگ ساعت را تنظیم کنم، بنابراین امروز صبح دیر بیدار شدم.

جملات مرکب

هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. به چنین جمله‌ای، جمله ساده می‌گوییم. اما جمله‌ای که شامل دو یا چند جمله مستقل باشد و با حروف ربطی مانند and, but, or, so به هم متصل شوند، جمله مرکب نامیده می‌شود. هر بخش این جملات می‌تواند به تنهایی یک جمله کامل باشد.

نکته !

اگر حروف ربط، دو جمله را به هم وصل کنند، بین آن‌ها یک ویرگول می‌آید. اما اگر قرار باشد، دو اسم، فعل، یا صفت را به هم وصل کند به ویرگول نیازی نیست.

- The weather was sunny, **so** we decided to go for a picnic.
هوا آفتابی بود، بنابراین تصمیم گرفتیم به پیک‌نیک برویم.
- Sima wore a dress **and** a hat to the party.
سیمابرای مهمانی یک لباس و کلاه پوشید. (این جمله چرا ویرگول ندارد؟)

کاربرد "and" (و)

- از **and** برای اضافه کردن اطلاعات یا توضیحات بیشتر به جمله استفاده می‌کنیم.
- The kids played in the garden, **and** they later went to bed early.
بچه‌ها در باغ بازی کردند، و بعد زود خوابیدند.
 - Hamid enjoys reading books, **and** he often writes stories in his free time.
حمید از کتاب خواندن لذت می‌برد، و اغلب در وقت آزادش داستان می‌نویسد.

تپشناسی

این تپ از سؤالات، یکی از راحت‌ترین سؤالات بخش Writing هستند. فقط کافیه جمله بعد از جای خالی رو با دقت بخونی و ترجمه کنی تا ارتباط معنایی اون رو با جمله قبل از جای خالی متوجه بشی؛

- اگه جمله دوم، نتیجه حاصل از جمله اول بود، جای خالی رو با **so** کامل کن؛
- اگه جمله‌ها دارن بهت دو تا آپشن و گزینه مختلف میدن که تو می‌تونی یکی رو انتخاب کنی، جای خالی رو با **or** کامل کن؛
- اگه جمله دوم، داره اطلاعات و توضیحات بیشتری به جمله اول اضافه می‌کنه، خب معلومه که جای خالی رو با **and** کامل می‌کنیم؛
- بالاخره، اگه بین دو تا جمله تضاد هستش یا مثلاً جمله دوم نتیجه غیرمنتظره‌ای داره که اصلاً انتظارش رو نداریم، جای خالی رو با **but** کامل می‌کنیم.

به همین راحتی!

جملات ناقص زیر را با کلمات ربط (and, or, but, so) کامل کنید.

الف

- 501 Sarina was tired, she stayed up to finish her homework.
- 502 You can go to the park, you can visit the library.
- 503 The kids were playing in the garden, their dog was running around.
- 504 It started to rain, we went back inside.
- 505 I want to buy a new phone, I don't have enough money.
- 506 Should we watch a movie, should we go for a walk?
- 507 He forgot his wallet, he couldn't pay for lunch.
- 508 I love swimming, I don't like deep water.
- 509 They worked hard on the project, they finally finished it.
- 510 We can order pizza, we can cook something at home.
- 511 I cleaned my room, then I helped my sister with her homework.
- 512 Vahid wanted to go hiking, the weather was terrible.
- 513 Yalda studies every night, she always gets good grades.
- 514 You can take the bus, you can walk to school.
- 515 I was late, I missed the beginning of the class.
- 516 My mom baked a cake, I decorated it with chocolate.
- 517 Arshia didn't prepare for the test, he didn't do well.
- 518 Should I call her now, should I wait until later?
- 519 She wanted to join the club, she didn't have enough time.
- 520 The sun was shining, the birds were singing in the trees.
- 521 I want to learn guitar, I don't have a teacher.
- 522 You can choose the red dress, you can pick the blue one.
- 523 It was very cold outside, we stayed home and drank hot chocolate.
- 524 Hamed cleaned his car, then he washed the windows.
- 525 I need to finish my homework, I'll get in trouble tomorrow.
- 526 You can go by bus, you can go by train.
- 527 She got into the car, she left.
- 528 You can have the blue pen, you can have the red one.
- 529 I'm very good at sport, I am terrible at math.
- 530 My classmate studied mathematics well, she took some notes.

خارج خرداد ۱۴۰۱

خارج خرداد ۱۴۰۱

خرداد ۱۴۰۲

خرداد ۱۴۰۲

خارج خرداد ۱۴۰۲

تپشناسی

این تپ از سؤالات Writing نوع پیچیده‌تر تپ قبل هستن. اون جا بهت دو تا جمله داده بودیم که باید ارتباط معنایی اون ها رو متوجه می شدی تا تشخیص بدی، کدوم یکی از ۴ تا کلمه ربط می‌تونه جمله رو به درستی کامل کنه.

ولی کاری که اینجا باید انجام بدی اینه که جمله اول رو بخونی و بعدش هر ۴ تا گزینه رو با در نظر گرفتن معنی کلمه ربط اولشون ترجمه کنی. حالا به نظرت کدوم یکی از گزینه‌ها می‌تونه مکمل خوبی برای جمله اول باشه؟ یعنی مثلاً اگه اول گزینه‌ای but داریم، آیا جمله بعدش با جمله صورت سؤال تضاد داره یا نه؟ یا مثلاً اگه اول گزینه‌ای so داریم، آیا جمله بعدش نتیجه جمله صورت سؤال هستش یا نه؟

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

ب

531 Kamran studied all night,

① and he passed the exam

② but he forgot the main topics

③ or he could fail

④ so he slept well

532 I wanted to go to the beach,

① but it was raining

② and the sun was shining

③ so I didn't pack my bag

④ or I stayed at home

533 Raha likes singing,

① and she performs on stage

② but she likes cooking

③ or she could try acting

④ so she didn't join a music club

534 They were late,

① and the bus had not left yet

② but they didn't catch the train

③ or they had to walk home

④ so they called a taxi

535 You can read a book,

① and leave the library

② or you can watch a movie

③ but don't waste your time

④ so it's a good habit

536 I worked on the project for hours,

① and I didn't complete it

② but it's very perfect

③ or I will fail the deadline

④ so now I need some rest

537 **My sister loves baking cakes,** .

- ① but she eats a lot of cake
- ② and she often shares them with friends
- ③ so her cakes are very popular
- ④ or she might try cooking

538 **Vahid forgot his keys,** .

- ① so he couldn't enter the house
- ② but he waited until someone arrived
- ③ or he would have to climb the window
- ④ and he called his neighbor

539 **We went shopping,** .

- ① but we found what we needed
- ② or we could try another store
- ③ so it was a productive day
- ④ and we bought some new clothes

540 **Tara was feeling cold,** .

- ① and she put on a jacket
- ② but she stayed indoors
- ③ or she could go inside
- ④ so she made a hot drink

541 **I forgot my homework at home,** .

- ① but my friend didn't share his notes with me
- ② and I had to explain it to my friend
- ③ so I got in trouble with the teacher
- ④ or I wouldn't attend the class

542 **We arrived at the park** .

- ① but it was crowded enough
- ② so we decided to leave early
- ③ or we could visit the museum instead
- ④ and had a great time with friends

543 **My parents enjoy working in the garden,** .

- ① so they are sad
- ② or their garden is beautiful
- ③ and they grow vegetables there
- ④ but they like their garden

شہرپور ۱۴۰۲

544 **Mahyar must choose. He can watch TV,** .

- ① and he can go abroad
- ② so he can pass the exam
- ③ but he can play the piano
- ④ or he can sleep

شہرپور ۱۴۰۲

تپشناسی

خب؛ رسیدیم به ترکیب Writing با یه ریزه مهارت درک مطلب! یادته در تپ اول سؤالات Writing این درس گفتیم برای جواب دادن به سؤالات، باید جمله بعد از جای خالی رو با دقت بخونی و معنی کنی تا ارتباط معنایی اون رو با جمله قبل از جای خالی متوجه شی؟

این جا هم دقیقاً همین کار رو می کنی، با این تفاوت که باید حواست به موضوع کلی متن هم باشه. راستش رو بخوای، این تپ از سؤالات هم خیلی سخت نیستن. فقط کافیه تا می تونی تمرین کنی و اعتماد به نفس خوبی داشته باشی. بقیه اش حله!

متن های ناقص زیر را با کلمات ربط (but / and / or / so) کامل کنید.

پ

- The new library is very big, (545) it has hundreds of books on every subject. I wanted to borrow a book yesterday, (546) I forgot my library card. You can borrow any book you like, (547) you need to return it on time.
- Lisa wanted to buy a new dress, (548) she went shopping. She saw many beautiful dresses, (549) they were too expensive. She found one she liked, (550) she didn't have enough money to buy it.
- We planned to go hiking on Saturday, (551) it rained heavily that day. We decided to stay home (552) watch a movie. The weather cleared up in the afternoon, (553) we went for a short walk.
- Ali loves playing football, (554) he doesn't like running long distances. His coach told him to practice running, (555) he could improve his stamina. He can run every day, (556) he can skip practice and stay the same.
- I woke up late this morning, (557) I missed the bus. I could wait for the next bus, (558) I could walk to school. It started to rain, (559) I decided to take a taxi.
- Sara loves art, (560) she enjoys painting in her free time. She wanted to join an art class, (561) her schedule was too busy. She has to wait for the next session, (562) she can practice at home for now.
- Tom forgot his homework, (563) his teacher wasn't happy. He promised to bring it the next day, (564) the teacher forgave him. Tom will do better next time, (565) he might upset his teacher again.
- Trees are very valuable. They take carbon dioxide from the atmosphere, (566) fill it with oxygen. Carbon dioxide is harmful to nature, (567) oxygen keeps it alive. In addition, they supply us with many necessary things of everyday life, (568) trees are the best friends of man.

تپشناسی

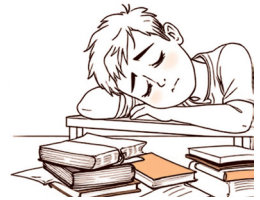
در این تپ از سؤالات Writing ازت خواسته میشه که جمله اول رو در صورت سؤال بخونی و بعدش با توجه به تصویر، جمله دوم رو کامل کنی. البته اگه در انتهای صورت سؤال کلمه ربط نداشتیم، یا مثلاً دو تا کلمه ربط داخل پرانتز اومده بود که ازت خواسته شده بود اول یکی از اون‌ها رو انتخاب کنی، کارِت یه کم سخت‌تر میشه؛ چون اول باید طبق تصویر، کلمه ربط مناسب رو پیدا کنی و بعدش تازه بری سراغ نوشتن جمله دوم.

فقط بهتره حواست باشه که جمله رو به ساده‌ترین (و درست‌ترین) شکل ممکن کامل کنی. اگه جمله رو بی دلیل پیچیده کنی، بهت جایزه نمی‌دن و فقط احتمال اشتباه کردن خودت رو بالاتر می‌بری و ممکنه بی خودی نمره از دست بدی! پس فقط به فکر درست بودن جوابت باش و اصلاً سعی نکن با پیچیده کردن بی دلیل جمله، برای مصحح کلاس بذاری!

جملات زیر را با استفاده از تصویر و یکی از (but, and, so, or) کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید.

ت

569 My son was so tired,



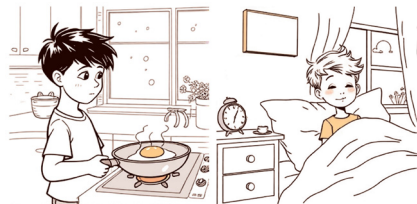
570 Siamak bought



571 The math problems were difficult



572 Ramin gets up early in the morning,



573 Those shoes are big,



با توجه به تصاویر و انتخاب کلمه ربط مناسب، جملات زیر را کامل کنید.

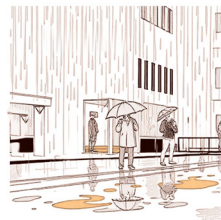
ث

574 These shoes are not comfortable, (so / or)



575 It's raining heavily, (so/or)

دی ۱۴۰۳



576 Hamed didn't study hard, (and/but)

دی ۱۴۰۳



تپشناسی

همون‌طور که قبلاً در بخش گرامر هم گفتیم، وقتی ازت خواسته میشه کلمات به‌هم‌ریخته رو مرتب کنی، اولین کارِت اینه که بر مبنای نشانه‌های موجود در بین کلمات به‌هم‌ریخته، مشخص کنی که سؤال مربوط به کدوم مبحث هستن.

مثلاً وقتی در بخش Writing ازت خواسته میشه که کلمات به‌هم‌ریخته رو مرتب کنی و در بین کلمات به‌هم‌ریخته یکی از کلمات ربط and, so, but یا or رو هم داری، طبیعتاً با توجه به مباحثی که در بخش Writing دوازدهم داریم، به احتمال زیاد سؤال مربوط به جملات مرکب هستش؛ به خصوص اگه در بین کلمات به‌هم‌ریخته دو تا فاعل و دو تا فعل داشته باشیم که نشون میده به احتمال زیاد جمله از ترکیب دو جمله درست شده.

بعد از این‌که مبحث سؤال رو پیدا کردی، حالا سعی کن با خوندن کلمات داده شده، معنی کلی دو بخش جمله رو پیدا کنی تا براساس کلمه ربطی که بهت دادن، جمله رو به درستی مرتب کنی:

- به نظرت کدوم بخش جمله اول قرار می‌گیره؟ اول اون رو مرتب کن (با در نظر گرفتن اینکه در انگلیسی جمله خبری با فاعل شروع میشه، بعدش فعل میاد و بعد از اون بقیه اجزای جمله رو قرار میدیم).
- حالا کلمه ربط رو با ویرگول به جمله اضافه کن.
- با جمله دوم هم دقیقاً مثل یه جمله کامل برخورد کن و جمله رو به ترتیب از فاعل و فعل مرتب کن
- الان که کل جمله رو مرتب کردی، یه بار دیگه جمله رو از اول بخون. به نظرت دو بخش جمله با توجه به کلمه ربطی که اون وسط قرار گرفته با هم ارتباط معنایی درست و منطقی دارن یا نه؟

با استفاده از کلمات در هم ریخته زیر، یک جمله معنادار بنویسید.

ج

- 577 Reza / the class / attend / he / cannot / so / is / absent / .
- 578 asked / a question / my teacher / so / replied / I / .
- 579 studies / Mary / but / she / cannot / the exam / pass / a lot / .
- 580 I / to / her party / didn't go / she / didn't / invite / me / so / .
- 581 went / my brother / to the library / at all / didn't / but / he / study / .

دی ۹۸

یادداشت:

بخش سوم

واژگان انگلیسی

3

part three



vocabulary

1

Vocabulary

Sense of
Appreciation

homeland /'houmlænd/ (n.)

وطن، زادگاه

catch /kætʃ/ (v.)

گرفتن، دستگیر کردن، گیر انداختن، رسیدن به

found /faʊnd/ (v.)

تأسیس کردن، بنیان نهادن

dedicated /'dedɪkətəd/ (adj.)

متعهد، دلسوز، فداکار

by the way /baɪ ðə weɪ/ (adv.)

راستی، ضمناً

sofa /'səʊfə/ (n.)

کاناپه، مبل

feed /fi:d/ (v.)

غذا دادن به، تأمین کردن

pigeon /'pɪdʒɪn/ (n.)

کبوتر

shout /ʃaʊt/ (v.)

فریاد زدن

hard of hearing /hɑ:d əv 'hɪrɪŋ/ (adj.)

ناشنوا، سنگین گوش

hug /hʌg/ (n. , v.)

بغل، بغل کردن

lap /ləp/ (n.)

آغوش، بغل، دامن

burst into tears (Phr.v.)

زیر گریه زدن

repeatedly /rɪ'pi:tɪdli/ (adv.)

مکرراً، به طور مکرر

suddenly /'sʌdnli/ (adv.)

ناگهان

forgive /fər'gɪv/ (v.)

بخشیدن، عفو کردن

calmly /kɑ:mli, kɑ:lmli/ (adv.)

به آرامی، با خونسردی

diary /'daɪri/ (n.)

دفتر خاطرات؛ خاطرات

reply /rɪ'plaɪ/ (n. , v.)

پاسخ؛ پاسخ دادن

برای یادگیری واژگان، بهترین کار خواندن کلمه در جمله و متن است. از لیست زیر فقط به عنوان یک دیکشنری استفاده کنید. مبدا به تنهایی آنها را حفظ کنید. خطرناک است! پس معنی فقط در متن.

واژگان سطر به سطر کتاب دانش آموز

appreciation /ə,prɪ:'ʃi:ɪʃən/ (n.)

حق شناسی، تقدیر، سپاس؛ شناخت، درک

lower /'ləʊər/ (v.)

کاهش دادن، پایین آوردن

boost /bu:st/ (v.)

افزایش دادن؛ تقویت کردن

strength /strenθ/ (n.)

قدرت، نیرو

elderly /'eldərli/ (adj.)

پا به سن گذاشته، فرد مسن، سالخورده

teenager /'ti:neɪdʒər/ (n.)

نوجوان

temperature /'temprətʃər, 'temprɪtʃ-ər/ (n.)

دما، حرارت؛ تب

physician /fə'zɪʃən, frɪ'zɪʃən/ (n.)

پزشک

regard /rɪ'gɑ:rd/ (v. , n.)

توجه کردن، ملاحظه کردن؛ به شمار آوردن؛ توجه، ملاحظه

spare no pains /sper nou peɪnz/

از هیچ کاری مضایقه نکردن، از هیچ تلاشی دریغ نکردن

distinguished /dɪ'stɪŋgwɪʃt/ (adj.)

برجسته، نامدار، درخشان، ممتاز، معروف

not surprisingly /nɑ:t sə'rpraɪzɪŋli/ (adv.)

جای تعجب نیست که

smart /sma:rt/ (adj.) باهوش، هوشمند، زیرک

by accident /baɪ 'æksɪdənt/ (adv.) به طور تصادفی، تصادفاً

for instance /fɔ:ɪ 'ɪnstəns/ (adv.) برای مثال، برای نمونه

accidentally /æksɪ'dentli/ (adv.) بر حسب اتفاق، تصادفاً، ناگهان

tool /tu:l/ (n.) وسیله، ابزار

ordinary /'ɔ:rdənəri/ (adj.) معمولی، ساده، عادی

mention /'menʃən/ (v.) ذکر کردن، بیان کردن، اشاره کردن

elicit /ɪ'lisət, ɪ'lsɪt/ (v.) استنباط کردن، دریافت کردن، پی بردن (به چیزی)

signal /'sɪgnəl/ (n., v.) علامت، سیگنال، اشاره؛ علامت دادن

uncertainty /ʌn'sɜ:rtnti/ (n.) شک، تردید، بلاتکلیفی، عدم اطمینان، بی‌ثباتی، شبهه

confirm /kən'fɜ:rm/ (v.) تایید کردن، تصدیق کردن

compound /'kɑ:mpaʊnd/ (adj., n., v.) مرکب؛ ترکیب؛ ترکیب کردن، آمیختن

enjoyable /ɪn'dʒɔɪəbəl/ (adj.) لذت‌بخش

result /rɪ'zʌlt/ (n., v.) نتیجه، حاصل، اثر؛ نتیجه دادن، منتج شدن، منجر شدن

take a test (Phr.v.) امتحان دادن

replace /rɪ'pleɪs/ (v.) جایگزین کردن، سر جایش گذاشتن

yet /jet/ (adv., conj.) با وجود این، با این حال، اما؛ هنوز

heritage /'herɪtɪdʒ/ (n.) ارث، میراث

belong /brɪ'ləʊŋ/ (v.) متعلق بودن، تعلق داشتن

responsibility /rɪ,sponsə'bɪləti, rɪ,sponsə'bɪləti/ (n.) مسئولیت

either ... or /'i:ðər...ɔ:r/ (conj.) یا... یا

bring up /brɪŋ ʌp/ (v.) بزرگ کردن، پروردن، بار آوردن

after a little while (adv.) بعد از مدتی کوتاه

pause /pəʊz/ (n., v.) وقفه، مکث؛ مکث کردن

lovingly /'lʌvɪŋli/ (adv.) با محبت، از روی عشق، عاشقانه

kiss /kɪs/ (n., v.) بوسه؛ بوسیدن

once /wʌns/ (adv.) زمانی، یک بار

whereby /weə'r baɪ/ (adv.) طبق آن، به موجب آن، از طریق آن

meaningful /'mi:nɪŋfəl/ (adj.) معنی‌دار، قابل فهم، ارزشمند، هدفمند، مهم

rather than /'ræðər ðæn/ (prep.) به جای اینکه، به جای، تا، تا اینکه

provide /prə'vaɪd/ (v.) فراهم کردن، تهیه کردن، مهیا کردن، تدارک دیدن؛ در اختیار گذاشتن

along with /ə'ləʊŋ wɪð/ (prep.) همراه با، به اضافه

quantity /'kwɑ:ntnti/ (n.) مقدار، اندازه، کمیت

process /'prɑ: ses/ (n.) پردازش؛ فرآیند

generate /'dʒenəreɪt/ (v.) تولید کردن، به وجود آوردن، ایجاد کردن، حاصل کردن

go together با هم بودن، با هم همراه بودن

combination /,kɑ:mbɪ'neɪʃən/ (n.) ترکیب، آمیزش

collocation /,kɑ:lə'keɪʃən/ (n.) ترکیب، هم‌آیند، هم‌آبی

by heart /baɪ ha:rt/ (id.) از حفظ، از بر

mostly /'mɒstli/ (adv.) عمدتاً، بیشتر

ethics /'eθɪks/ (n.) اخلاقیات

countless /'kaʊntləs/ (adj.) زیاد، بی‌شمار

inspiration /,ɪnspɪ'reɪʃən/ (n.) الهام، وحی، تشویق؛ الهام‌بخش، منبع الهام

author /'ɔ:θər/ (n.) نویسنده

solution /sə'lu:ʃən/ (n.) راه حل، چاره

honored /'ɑ:nəd/ (adj.) مفتخر

duty /'du:ti/ (n.) وظیفه، مأموریت، تکلیف

handle /'hændl/ (v.) اداره کردن، از عهده برآمدن

within /wɪθ'in/ (prep.) در، در توی، در مدت، در حدود، در ظرف

lack /læk/ (n. , v.) نبود، فقدان، کمبود، عدم وجود؛ فاقد ... بودن، نداشتن

grateful /'ɡreɪtfəl/ (adj.) متشکر، سپاسگزار، قدردان، حق شناس

worthy /'wɜ:θi/ (adj.) شایان، شایسته، لایق، مستحق؛ ارزشمند، ارزنده، درخور

robber /'rɒ:bər/ (n.) سارق

parrot /'pærət/ (n.) طوطی

steal /sti:l/ (v.) دزدیدن، دستبرد زدن

willing /'wɪlɪŋ/ (adj.) مایل، مشتاق، خواستار

rule /ru:l/ (n.) قانون، قاعده، دستور

guideline /'ɡaɪdlaɪn/ (n.) راهنما، رهنمون، سر مشق، دستورالعمل، خط مشی

blessing /'blesɪŋ/ (n.) برکت، نعمت، موهبت، دعای خیر، نعمت خدا داده، استعداد خداداد

واژگان سطر به سطر کتاب کار

hence /hens/ (adv.) از حالا، از این زمان به بعد؛ بنابراین

generation /,dʒenə'reɪʃən/ (n.) نسل؛ تولید

share /ʃer/ (n. , v.) سهم، قسمت، بخش؛ تقسیم کردن، سهمی شدن، سهم داشتن در

failure /'feɪljər/ (n.) شکست

deserve /dɪ'zɜ:rv/ (v.) استحقاق داشتن، سزاوار بودن، شایسته بودن

unconditionally /,ʌnkən'dɪʃənəli/ (adv.) بی قید و شرط، بی چون و چرا

تیپ‌شناسی

وصل کردن جمله به تصویر مرتبط

برای جواب دادن به سؤالات واژگان، حواست به کلمات یا عبارات‌های کلیدی کتاب درسی باشه؛ مثلاً در این درس کلمات یا عباراتی مثل spare no pains یا regard , dedicated , distinguished , burst into tears ترغیب‌دهنده؛ موقع یادگیری لغات، هر کلمه رو به یه تصویر ذهنی یا خاطره شخصی وصل کن. مغز، داستان و تصویر رو بهتر از لیست حفظ می‌کنه. اگر بتونی لغات رو به صورت تصویری یاد بگیری، در این تیپ از سؤالات هم خیلی کمکت می‌کنه. یه راه دیگه اینه که همون لحظه و موقع یاد گرفتن واژگان، با لغت یه جمله کوتاه بسازی تا اون مدت طولانی تری یادت بمونه.

با توجه به تصاویر، مشخص کنید کدام جمله مربوط به کدام تصویر است. (یک جمله اضافی است.)

الف



795



796

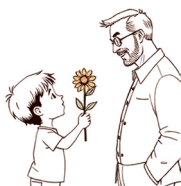


797



798

- a) I've been writing in a diary for twelve years.
- b) My younger sister hardly ever leaves my mother's lap.
- c) When teenagers help others, they do better in life.
- d) We need to speak louder because my grandfather is hard of hearing.
- e) Taking people's temperature can help them handle the coronavirus.



799



800

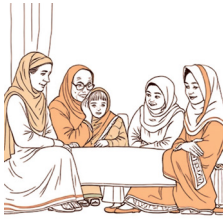


801



802

- a) Every morning, my grandfather heads to the park to feed the pigeons, which gather around him eagerly for food.
- b) The mother is gently hugging her little child, offering comfort and warmth.
- c) My uncle went up to his son, hugged him tightly, and reassured him with a few kind words.
- d) Hamid spends most of his day sitting on the sofa, watching television and rarely moving around.
- e) It is important for children to show respect to their parents.



803



804



805



806

- a) Kindness can greatly boost the energy and strength of family members, making them feel more positive and closer to one another.
- b) We need to speak up more loudly, since my grandfather is hard of hearing and may miss parts of our conversation.
- c) It's important to care for the elderly, as they often need extra attention and support in their daily lives.
- d) Keeping a diary allows us to pause and think about our everyday experiences, helping us learn from them and grow.
- e) He shouted at me the moment he realized I hadn't finished my homework.



807



808



809



810

- a) The physician is examining his health to make sure everything is okay.
- b) As soon as she saw the results, she burst into tears.
- c) Ferdowsi was born in a small village near Toos.
- d) Hamid spends most of his day on the sofa, watching television.
- e) We can help people by donating them the items they truly need.

تپشناسی

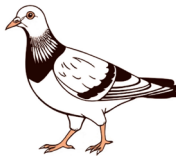
کامل کردن جملات با توجه به تصویر

تصاویر رو مثل یه فیلم کوتاه تصور کن: در هر کدوم چی داره می‌گذره؟ شخصیت‌ها چه احساسی دارن؟ حالا جمله‌های ناقص رو نگاه کن. به نظرت هر تصویر با کلمات و ایده کدوم جمله بیشترین ارتباط رو داره؟ مثلاً در تصویر مادر و پسر، معمولاً کلمه‌هایی مثل calmly: lap یا hug, forgive رو راحت پیدا می‌کنی.

نکته کاربردی: حفظ کردن فقط معنی فارسی نصف راهه. باید بدونی کجا و چه‌طور از کلمه استفاده می‌شه. نقش کلمه رو تشخیص بده (اسم، فعل، صفت و...).

با توجه به تصاویر داده شده، جملات را کامل کنید. (یک تصویر اضافی است.)

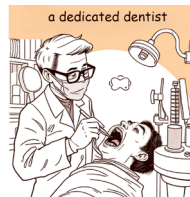
ب



a)

الیا ایسا اسبق اد کماره نونا
کیش مش آسان نمود اول من افتاد مش با

b)



c)



d)

811 My grandfather feeds his in the yard every morning.

خرداد ۱۴۰۳

812 A: That's great! By the way, have you invited Dr. Asadi?

شهریور ۱۴۰۳

B: Yes, he is my best friend. He is and very busy these days.

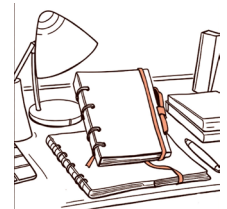
813 The distinguished student started learning by heart at a young age.

خرداد ۱۴۰۳

با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را کامل کنید.

پ

814 Writing in my is cheaper than therapy and less risky than sharing my secrets with friends!

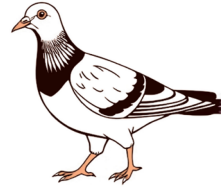


815 We need to raise our voices because my grandfather is of hearing.





816 Every morning, my grandfather goes to the park to feed the



817 We can support a large number of people by them with what they truly need.



818 Sam hasn't come to work. I've heard he's, is that right?



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تپشناسی

کامل کردن چند جمله با کلمات داده شده

قبل از نگاه کردن به کلمه‌ها، سعی کن حدس بزنی در هر جمله چه نوع کلمه‌ای لازم داری؛ اسم، فعل، صفت یا قید. وجود یک کلمه اضافی یعنی نباید فقط به معنی نگاه کنی؛ نقش کلمه هم مهم هستش. فقط حواست باشه که هر گزینه فقط یک بار استفاده می‌شه.
نکته کاربردی: اگه بین دو کلمه شک کردی، هر دو رو داخل جمله قرار بده و جمله رو با صدای آروم برای خودت بخون. معمولاً حس ششم بهت کمک می‌کنه گزینه درست‌تر رو پیدا کنی.

جملات زیر را با کلمات داده شده، کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

ت

lower - boost - teenager - brain

Dad: How can we (819) your grades this semester, Alex?

Son: As a/an (820), I think we could (821) our screen time and focus more on studying.

Dad: That sounds like a good idea.

sense - attention - increase - appreciation

Teacher: I want to show my (822) for your hard work, Sam.

Sam: Thank you. It gives me a/an (823) of achievement.

Teacher: Yes, and your grades have shown a great (824) this term.

Sam: That means a lot to me. I'll keep doing my best.

memories - donate - strength - respect

Hamid: I've been working on building my (825) at the gym lately.

Ali: That's great! By the way, I'm planning to (826) some clothes to the local community center this weekend.

Hamid: That's wonderful. I still have sweet (827) of volunteering at that community center last year.

sense - temperature - physician - dedicated

Jack: I think I might have a fever. My (828) feels very high.

Simon: You should see a (829) as soon as possible to get it checked.

Jack: Good idea. Dr. Smith is very (830) to his patients, I'll make an appointment with him.

spared no pains - public - distinguished - not surprisingly

Maryam: They really (831) in organizing this event; everything looks perfect.

Negar: Yes, and the guest speaker is a (832) professor from the university.

Maryam: (833), everyone is excited to hear what he has to say.

founded - catch - medical - receive

Sarina: I've heard there's a new (834) center in town.

Mina: Yes, it was (835) by a group of experienced doctors last year.

Sarina: That's great! I'll visit them if I (836) a flu this winter.

medicine - cure - disease - regarded

Saeed: The doctor said that this (837) is quite rare.

Ronak: Yes, it is (838) as one of the hardest to cure.

Saeed: Thankfully, modern (839) has made a lot of progress in recent years.

sofa - pigeon - feed - shouted - hard of hearing - was born - hug

840 In many cities, feeding a in the park is a popular pastime for children.

841 We moved the near the window to get more sunlight in the living room.

842 My sister in excitement when she saw her favorite singer on TV.

843 She in spring, so she loves flowers and warm weather.

844 Being doesn't stop her from enjoying music with special devices.

845 The little boy needed a to feel better after he fell off his bicycle.

lap - forgive - calmly - diary - thoughts - burst into tears - repeatedly

846 My younger sister loves to sit on my mother's while she reads bedtime stories.

847 They tried to solve the puzzle, but it took them hours to succeed.

848 After failing the test, she, but her friends comforted her.

849 Robert explained the situation instead of getting angry.

850 Keeping a helps some people reflect on their daily experiences.

851 Sometimes it's hard to someone who has hurt you, but it can bring peace.

kindly - suddenly - quietly - kissed - care for - reply - respect

852 After thinking it over, I finally decided to to his email with my honest opinion.

853 Ava walked into the room so she wouldn't wake her little brother.

854 While we were chatting in the living room, the lights went out and everything became dark.

855 Lily always speaks to people, even when they disagree with her.

856 We should always our teachers and parents.

857 We should our pets by giving them good food, clean water, and regular check-ups.

generation - whereby - provide - collocation - combination - meaningful - main

858 They had a conversation about their future plans, discussing both goals and fears.

859 The reason I joined the club was to improve my communication skills and make new friends.

860 People in my grandparents' had very different experiences growing up without modern technology.

861 Learning an English like "take a break" helps you sound more natural.

862 Our teacher plans to additional materials to help us understand the lessons better.

863 A successful event often results from the of good planning and teamwork.

strong wind - heavy rain - abroad - make a mistake - sound - by the way - once

- 864 The roads were flooded by the, so we decided to stay indoors for safety.
865 I want to travel next summer to experience different cultures and meet new people.
866 Everyone can, but what matters is learning and trying not to repeat it.
867 you finish your homework, you can join us to watch a movie in the park.
868, I really enjoyed the movie we watched last night; it was amazing.
869 During autumn, a/an can blow leaves everywhere, making the streets look golden.

poet - author - mostly - poetry - emotions - religious - by heart

- 870 His beliefs guide the choices he makes in daily life.
871 My grandmother knows many old songs and sings them whenever she's happy.
872 A/An sometimes revises a single chapter many times before feeling satisfied with the result.
873 The weather is sunny this week, but there might be a little rain on Friday.
874 Strong might be hard to control, but sharing them can help you feel better.
875 My cousin loves to read out loud and record herself to share with friends.

ethics - countless - product - develop - for instance - inspiration - including

- 876 Milly has told me stories about her travels around the world.
877 Studying helps us understand the difference between right and wrong.
878 Sometimes, a simple walk in nature can be a source of for writing or drawing.
879 Many people love outdoor sports;, my sister goes hiking almost every weekend.
880 The city plans to more parks so that families have outdoor spaces to enjoy.
881 The new claims to help people clean their homes faster and easier.

tool - ordinary - discover - serious - health condition - responsibility - elicit

- 882 A smartphone is now a common that helps us communicate and look up information quickly.
883 Mia was excited to a shortcut through the park that saved her ten minutes on the way to school.
884 Sometimes, what appears can actually be full of surprises if you look closely.
885 Daisy exercises and follows a balanced diet to maintain a stable
886 Missing many classes can be a/an problem that affects your grades.
887 Taking care of a pet is a big because it needs daily attention and proper food.

compound - wear - choice - result - simplest - wonderful - enjoyable

- 888 Sometimes, the solution is the best one, requiring the least time and effort.
889 A/An sentence links two or more independent clauses using words like "and" or "but."
890 Listening to music can make studying more if it helps you relax.

- 891 Students often uniforms to school, which makes them look neat and organized.
 892 The of your effort will be clear when you get your test scores back.
 893 Sometimes, the hardest part is making the right when many options are available.

heritage - culture - regarding - belonging - identity - morals - proud

- 894 The teacher sent a note to all parents the future school trip.
 895 Each culture has its own special customs and celebrations that shape its
 896 Visiting historical sites helps us understand our and where we come from.
 897 Finding a sense of at school can help students feel more confident and comfortable.
 898 Society benefits when people follow strong and treat each other with respect.
 899 Our identity is shaped by our family,, and personal experiences.

value - principle - either - willing - rule - guidelines - brought up with

- 900 Joseph said he would join us for the movie or stay home if he felt too tired.
 901 Sofia was strong family values, so she respects her elders deeply.
 902 Honesty is a/an that helps people trust each other more.
 903 They are to help, but they need more time and resources.
 904 One important in many schools is to arrive on time for every class.
 905 The teacher gave us for writing our essays, such as format and length.

blessing - mention - identity - experience - history - contrast - result

- 906 In her article, she discussed the between rural life and urban life.
 907 By studying, we learn from the successes and failures of previous generations.
 908 The of the experiment showed that the new drug was effective.
 909 In her article, Maria decided to several examples to support her main idea.
 910 Working on group projects can give you valuable in teamwork and communication.
 911 Having a supportive family is truly a/an in difficult times.

appreciate - noted - hence - carry - as well - failure - share

- 912 Emilia the differences between the two reports during the meeting.
 913 A few years, you might look back on school days and realize how much you've grown.
 914 We should the small things in life, like a warm meal or a kind word.
 915 Don't be afraid of; it can teach you valuable lessons.
 916 You should your umbrella in case it starts to rain unexpectedly.
 917 Elena plans to attend the art class, and her sister will join

values - deserve - honored - handle - lack - no matter - unconditionally

- 918 how busy life gets, it's important to find time to relax and enjoy small pleasures.
- 919 True friends will stand by you, even when you face big problems or personal failures.
- 920 People a second chance to learn from their mistakes and show they can do better next time.
- 921 Sometimes, a/an of self-confidence can prevent talented students from reaching their full potential.
- 922 Learning to stress effectively can help you maintain better mental health during exam season.
- 923 We were to have a well-known scientist visit our class and explain her latest research project.

steal - inform - attend - dedication - grateful - later - worthy - cruel - robber - parrot

- 924 We should be for the little things, like a warm meal or a friend's kind words, which brighten our day.
- 925 If you don't understand something right away, you can always review it again when you have more time.
- 926 Raha believes everyone's opinion is of respect, even if she doesn't agree with it.
- 927 Police caught the thanks to security camera footage that identified his face.
- 928 Maryam taught her a few funny phrases, and now it entertains her guests whenever they visit.
- 929 Making fun of someone's insecurities is not just rude — it can also be seen as behavior.
- 930 The doctor promised to the patient immediately once the test results were available.
- 931 All players must every practice session if they want to remain on the school team.
- 932 Some thieves people's wallets in crowded places, so always keep your belongings safe.

hearing - calmly - shares - later - founded - forgive - shouted

- 933 My sister never her toys with her cousins. خارج خرداد ۱۴۰۰
- 934 We understand our teacher easily because she speaks well and خارج خرداد ۹۹
- 935 My grandfather is hard of, so we have to speak louder. خارج خرداد ۱۴۰۰
- 936 I'll never him for the way he treated Mina. خارج خرداد ۱۴۰۱
- 937 The man at his son when he didn't do his homework. خارج خرداد ۱۴۰۱
- 938 Dr. Gharib came back to his homeland and the Children's Medical Center. خارج خرداد ۱۴۰۱

share - distinguished - principle - deserve

- 939 Farhad: What do you think about our new teacher?
Mohsen: I think he is very شهریور ۱۴۰۳
- 940 We never our toys with our cousins. دی ماه ۱۴۰۲
- 941 After all that hard work, you a holiday. خرداد ۱۴۰۳

تیپ‌شناسی

انتخاب معنی درست (ستون A و B)

یکی از راه‌هایی که بهت کمک می‌کند از پس این تیپ از سوالات بریابی اینه که هر وقت لغت جدیدی یاد گرفتی، مترادف‌ها و تعریف ساده انگلیسی اون رو هم بخونی. البته همیشه حواسیت باشه که شباهت ظاهری دو کلمه، دلیل هم‌معنی بودن اون‌ها نیست. ترفند امتحان: اول آسان‌ترین گزینه‌ها رو وصل کن تا تعداد انتخاب‌های باقی‌مونده کمتر شه. همین‌طور روش حذف گزینه‌ها همیشه می‌تونه کمکت کنه.

برای هر کلمه مشخص‌شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

ث

	A	B
942	The little boy burst into tears when he realized he had lost his favorite toy.	a. to stop being angry with someone
943	Alice checked her phone repeatedly , hoping for a message from her friend.	b. a lack of success in doing something
944	She decided to forgive her brother after he apologized for breaking her favorite vase.	c. many times
945	Jessica calmly answered all the interview questions.	d. to start crying suddenly
946	Violet wrote her deepest thoughts and feelings in her diary every night.	e. a book in which you record your thoughts or feelings
947	The child fell asleep on his mother's lap during the long journey.	f. the flat area between the waist and knees of a seated person
		g. in a quiet way
	A	B
948	The values and beliefs of each generation can differ significantly.	a. without any conditions or limitations
949	Everyone deserves a second chance to prove themselves.	b. a responsibility
950	He learned valuable lessons from his failure in the project.	c. to be grateful for
951	Scarlett promised to support her friend unconditionally .	d. person aged between 13 and 19 years
952	It's important to appreciate the small things in life.	e. to be worthy
953	As a firefighter, his duty is to protect people and property from fire.	f. a lack of success in doing something
		g. all the people of about the same age within a society

A		B	
954	Chales was willing to stay late to finish the project.	a. to reduce the amount, level, or degree of something	
955	Drinking a cup of coffee in the morning can boost your energy.	b. to increase or improve something	
956	They decided to lower the price of the product to attract more customers.	c. a feeling of deep admiration for someone	
957	The physician examined the patient and prescribed the necessary medication.	d. prepared to do something	
958	They spared no pains to provide their children with the best education.	e. to put forth a great deal of effort to achieve something	
959	Many people regard her as a specialist in her field.	f. to consider or think of someone or something in a specified way	
		g. a doctor	
A		B	
960	The company was founded to provide innovative solutions to modern problems.	a. to measure the heat level of a body or substance	
961	Erin is a distinguished professor known for her groundbreaking research.	b. to give a part of something to another or others	
962	Please take the temperature of the soup before serving it.	c. famous	
963	They sat on the sofa and watched their favorite TV show together.	d. to establish or originate an institution or organization	
964	My grandfather is hard of hearing , so we speak loudly when talking to him.	e. valued objects and qualities such as cultural traditions passed down from previous generations	
965	The city's rich cultural heritage attracts many tourists each year.	f. long seat with a back and arms, for two or more people	
		g. having difficulty hearing; partially deaf	
A		B	
966	Richard felt proud of his achievements and shared his success with his family.	a. beneficial thing for which one is grateful	
967	Mark is known for his strong morals and ethical principles.	b. feeling deep satisfaction because of one's own achievements	
968	Having a supportive family is a true blessing in life.	c. principles or standards of behavior that guide what is right or wrong	
969	Bella agreed some parts of her personal diary to be published. شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۸	d. person's understanding of who they are	
970	Mom forgave me for breaking the vase. خرداد ۱۴۰۰ و شهریور ۹۸	e. to increase or improve something	
971	Kindness boosts energy in elderly people. دی ۱۴۰۱	f. to stop being angry with someone	
		g. a book in which you record your thoughts and feelings	

	A	B
972	Many teenagers study English in the library. (شهریور ۱۴۰۲)	a. to stop being angry with someone
973	I spared no pains to teach my students. (دی ۱۴۰۲)	b. many times
974	Jabbar Baghcheban founded the first school for deaf students in Tabriz. (خرداد ۱۴۰۳)	c. people who are between 13 and 19 years old
975	He will never forgive his friends for what they have done. (شهریور ۱۴۰۳)	d. to do whatever you can
976	Dr. Gharib was a famous physician . (دی ۱۴۰۳)	e. to start something such as an organization
977	I will share my lunch with you.	f. to give a part of something to someone else
		g. someone who cures sick people

تپ شناسی

تست چندگزینه‌ای:

برای جواب دادن به تست‌های واژگان به چند تا نکته دقت کن:

- اول ببین جمله مثبت نوشته شده یا منفی.
 - به کلمات کلیدی جمله دقت کن؛ معمولاً این کلمات، مسیر جواب رو نشون میدن.
 - به زمان فعل جمله هم دقت کن؛ گاهی معنی گزینه‌ها به زمان جمله بستگی داره.
 - به طور کلی، دنبال گزینه‌ای باش که هم از نظر معنی و هم از نظر گرامر درست باشه.
 - همیشه گزینه‌های کاملاً نامرتبط رو اول حذف کن.
 - اگه بین دو گزینه شک کردی، هر دو رو داخل جمله قرار بده و جمله رو با صدای آروم برای خودت بخون.
 - اگه هیچ گزینه‌ای رو نمی‌شناسی، از سرنخ‌های جمله کمک بگیر و حتماً تست رو بزنی چون تست‌ها در امتحان نهایی نمره منفی ندارن.
- نکته طلایی:** سؤال واژگان فقط معنی کلمه نیست؛ باید ببینی کدام گزینه با مفهوم جمله هماهنگه. یعنی ممکنه یه کلمه از نظر معنی فارسی به جمله بخوره ولی از نظر کاربردش در انگلیسی برای جمله مناسب نباشه؛ به خاطر همینکه همیشه تأکید می‌شه که سعی کنی کلمات رو در قالب جمله یاد بگیری.

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

ج

978	The professor is of hearing, so students need to speak loudly in class.
	① difficult ② impossible ③ unable ④ hard
979	The parents at their kids to stay away from the busy street.
	① lowered ② increased ③ shouted ④ improved
980	They bought a new for the living room, and now everyone loves to sit there and relax after a long day.
	① sofa ② hug ③ fact ④ function
981	She was in a small village that had a rich history and beautiful landscapes, which she always loved.
	① born ② taken ③ met ④ heard
982	She her child warmly after he came home from his first day of school, asking about his day.
	① shouted ② fed ③ hugged ④ forgave

- 983 Lucy writes in her every night, recording her thoughts and experiences to reflect on later.
 1 history 2 diary 3 vase 4 moral
- 984 Samane tried to reach her friend by phone but kept getting the voicemail.
 1 religiously 2 kindly 3 surprisingly 4 repeatedly
- 985 He knew that to move forward, he needed to himself for past mistakes and focus on the future.
 1 forgive 2 develop 3 create 4 bring
- 986 Nozar spoke to the crying child, helping them feel better.
 1 angrily 2 hardly 3 rarely 4 calmly
- 987 Joshan his voice when speaking in the library to avoid disturbing others.
 1 lowered 2 improved 3 boosted 4 provided
- 988 Teenagers today have access to a vast amount of information through the internet, which can be both a and a challenge.
 1 blessing 2 moral 3 step 4 diary
- 989 Hannah no pains in decorating her home for the holidays, making it a warm place for family and friends.
 1 hurt 2 spoke 3 bought 4 spared
- 990 During the cold season, parents often take their children's to ensure they don't have a fever.
 1 strategy 2 respect 3 pause 4 temperature
- 991 The school was over a century ago and has since educated generations of students.
 1 kept 2 founded 3 regarded 4 deserved
- 992 The scientist is as a leader in cancer research.
 1 regarded 2 forgiven 3 burst 4 interested
- 993 They promised to support each other through all the ups and downs of life.
 1 probably 2 surprisingly 3 unconditionally 4 hopefully
- 994 She a break after working tirelessly on the project for months.
 1 decides 2 brings 3 discovers 4 deserves
- 995 Lara can stressful situations with ease, always staying calm and focused.
 1 avoid 2 create 3 experience 4 handle
- 996 Vahid is to travel long distances to visit his family during the holidays.
 1 willing 2 ordinary 3 unnatural 4 meaningful
- 997 The children couldn't play outside because of the wind.
 1 heavy 2 fast 3 quick 4 strong

تپ شناسی

کامل کردن جمله با حرف اول کلمه

برای جواب دادن به این تپ از سؤالات، اول جمله رو معنی کن، بعدش از حرف اول برای پیدا کردن جواب استفاده کن. خیلی وقت‌ها کلمه‌های مختلفی به ذهنت می‌رسه که با یک حرف مشترک شروع می‌شن، اما فقط یکی با جمله سازگار هستش؛ پس برای پر کردن جای خالی عجله نکن و اول مطمئن شو که کلمه درست رو پیدا کردی.

تمرین روزانه: یکی از راه‌های خوب تمرین برای این تپ از سؤالات اینه که املای لغات مهم درس رو چند بار با صدای بلند بنویسی.

جملات زیر را با کلمه‌ای مناسب از دانش خود کامل کنید.

ج

در سؤالات زیر، اولین حرف کلمات داده شده است و در برخی از کلمات، تعداد خط تیره‌ها نشان‌دهنده تعداد حروف است.

- 998 The baby b _ _ _ _ into tears when he was hungry.
- 999 They sat on the comfortable s _ _ _ _ in the living room and enjoyed a cozy movie night together.
- 1000 Mom s _ _ _ _ _ at the kids to come inside quickly as it started to rain heavily.
- 1001 Janet is hard of h _ _ _ _ _ and often asks people to repeat themselves to understand better.
- 1002 I f _ _ _ _ _ you for breaking my favorite vase because I know it was an accident and you didn't mean to.
- 1003 She visited the p _ _ _ _ _ _ _ for a routine check-up to ensure she was in good health.
- 1004 Nicole f _ _ _ _ _ _ _ a new school in the city to provide better educational services for children.
- 1005 Angela spared no p _ _ _ _ _ _ _ to help her friend prepare for the important job interview.
- 1006 Her son is a t _ _ _ _ _ _ _ now and enjoys spending time with his friends and exploring new hobbies.
- 1007 Marziye should a _ _ _ _ _ _ _ the kindness and support of her neighbors during difficult times.
- 1008 Please l _ _ _ _ _ _ _ the volume of the music, as it's too loud.
- 1009 She is d _ _ _ _ _ _ _ to helping others and spends much of her free time volunteering.
- 1010 Her hard work and dedication earned her a _ _ _ _ _ _ _ from everyone in the office.
- 1011 Betty placed the book on her l _ _ _ _ _ _ _ and began to take notes for her class.
- 1012 Carol gave him a big h _ _ _ _ _ _ _ when he arrived home after a long trip, showing how much she missed him.
- 1013 Regular exercise can b _ _ _ _ _ _ _ your energy levels and improve your overall well-being.
- 1014 I have recorded my thoughts and feelings on my d _ _ _ _ _ _ _ every day for 10 years. شهریور ۹۸
- 1015 They have to speak louder, because their grandmother is hard of h _ _ _ _ _ _ _ . شهریور ۹۹
- 1016 I don't know how to feed this baby p _ _ _ _ _ _ _ ; I found it in my back yard. خارج شهریور ۱۴۰۰
- 1017 When Amir saw the film, he b _ _ _ _ _ _ _ into tears. شهریور ۱۴۰۱
- 1018 Some animals like dogs have a very good s _ _ _ _ _ _ _ of smell. دی ۱۴۰۱
- 1019 Kindness b _ _ _ _ _ _ _ energy and strength in elderly people. شهریور ۱۴۰۲

بخش چهارم

درک مطلب

4

part four



**Reading
Comprehension**

Reading

درک مطلب

۴. تمرکز بر درک مطلب، نه ترجمه

هدف اصلی شما باید درک مفهوم کلی متن باشد، نه ترجمه کامل آن. یک درک ۴۰ درصدی از متن می‌تواند به شما کمک کند تا به ۱۰۰ درصد سوالات پاسخ صحیح بدهید.

۵. پاسخ‌دهی به دو سبک

پیشنهاد من این است که به دو سبک به سوالات درک مطلب این کتاب پاسخ دهید: ابتدا فرض کنید در جلسه امتحان هستید و با همان شرایط امتحانی به سوالات پاسخ دهید. سپس پاسخ‌های خود را با کلید پاسخنامه بررسی کرده و نمره‌دهی کنید. پس از آن، با کمک پاسخنامه، به متن بازگردید و ترجمه کلمه به کلمه آن را یاد بگیرید. این سبک دوم به طور قابل توجهی مهارت شما را در درک مطلب تقویت می‌کند.

۶. صبور و پیگیر باشید

برای پیشرفت در این مهارت، صبر و پشتکار کلید موفقیت است. با تلاش مستمر، می‌توانید در این مهارت به تسلط برسید.

برای تقویت مهارت درک مطلب چه کنیم؟

۱. تسلط بر کتاب درسی و کتاب کار

ابتدا بهتر است تسلط کافی بر کتاب درسی و کتاب کار پیدا کنید. بسیاری از درک مطلب‌های امتحان نهایی برگرفته از متن‌های این کتاب‌ها هستند. در واقع، اکثر جملات درک مطلب‌های کوتاه عیناً از جملات کتاب درسی یا کتاب کار استخراج می‌شوند.

۲. حذف گزینه‌های غلط

در درک مطلب‌های کوتاه، به جای جستجوی مستقیم پاسخ صحیح، ابتدا گزینه‌های غلط را حذف کنید. معمولاً برخی از گزینه‌ها به وضوح اشتباه هستند و حذف آن‌ها کار را آسان‌تر می‌کند.

۳. بررسی سوالات و کلمات کلیدی

در درک مطلب‌های بلند و چندسؤالی، ابتدا صورت سؤال‌ها را به دقت بخوانید و کلمات کلیدی را مشخص کنید. سپس این کلمات را در متن پیدا کنید. پاسخ معمولاً در نزدیکی همان کلمات کلیدی یا مترادف‌ها و متضادهای آن‌ها در متن قرار دارد. البته اگر زمان کافی دارید، خواندن کامل متن قبل از مشاهده سوالات نیز مفید است. با تمرین زیاد، می‌توانید سبک شخصی خود را برای پاسخگویی به درک مطلب‌ها پیدا کنید.

یادداشت:

پرسش‌های مفهوم و درک متن درس ۱

واژگان کلیدی سؤالات ۱۴۵۱ تا ۱۴۷۰

• elders	سال‌مندان، بزرگ‌ترها	• respect	احترام گذاشتن	• appreciate	قدردانی کردن
• care	مراقبت کردن	• generation	نسل	• value	ارزش
• failure	شکست	• success	موفقیت	• deserve	شایسته بودن
• duty	وظیفه	• unconditionally	بی‌قید و شرط	• honor	احترام گذاشتن؛ افتخار کردن
• handle	مدیریت کردن	• memory	حافظه	• comprehension	درک مطلب
• strategy	استراتژی، روش	• meaningful	معنادار	• collocation	هم‌نشینی کلمه
• inspiration	الهام‌بخش	• poet	شاعر	• author	نویسنده
• heritage	میراث	• belonging	تعلق خاطر	• wisdom	حکمت
• responsibility	مسئولیت	• generous	بخشنده	• friendly	دوستانه
• helpful	کمک‌کننده	• experience	تجربه	• valuable	ارزشمند
• achievement	دستاورد	• conditional	مشروط	• tradition	سنت
• knowledge	دانش	• proud	افتخار کردن	• past	گذشته
• present	حال	• future	آینده		

عبارات کلیدی سؤالات ۱۴۵۱ تا ۱۴۷۰

• grow up	بزرگ شدن	• carry those values	آن ارزش‌ها را حفظ کردن
• life experience	تجربه زندگی	• deserve to be cared for	شایسته مراقبت بودن
• feel honored	احساس افتخار کردن	• handle things on their own	امور را به تنهایی مدیریت کردن
• brain function and memory	عملکرد مغز و حافظه	• care for those who once cared for us	مراقبت کردن از کسانی که قبلاً از ما مراقبت کردند
• question generation	تولید سوال	• reading comprehension strategy	استراتژی درک مطلب
• main idea	ایده اصلی	• sound right	به طور طبیعی درست به نظر رسیدن
• learn by heart	از بر کردن	• inspiration for many poets	الهام‌بخش بسیاری از شاعران
• native speaker	گویشور بومی	• sense of belonging	حس تعلق خاطر
• spare no pains	از هیچ تلاشی دریغ نکردن	• ups and downs	فراز و نشیب‌ها
• worth respecting	ارزش احترام گذاشتن	• learn from that wisdom	از آن حکمت درس گرفتن
• feel honored when we appreciate	احساس افتخار کردن وقتی قدردانی می‌کنیم	• not young enough to handle	به اندازه کافی جوان نبودن برای مدیریت
• carry values	ارزش‌ها را ادامه دادن		

- 1451 It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown up.**
- ① Elders were not always elders; they were once children like us.
 - ② Elders were born elders and have always been older than us.
 - ③ Elders grow up faster than younger generations.
 - ④ Elders were children, but they never grow up fully like us.
- 1452 If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.**
- ① Respecting elders today ensures that future generations will learn to respect us too.
 - ② Present generations will respect us only if we respect them today.
 - ③ Respect is something that only future generations should practice.
 - ④ Learning to respect elders is a tradition that does not involve future generations.
- 1453 Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes, and many more.**
- ① Elders only share their successes with others.
 - ② Elders talk about their life experiences, failures, and successes.
 - ③ Elders always learn from our failures and share them with us.
 - ④ Elders share only their happy moments with us.
- 1454 Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for.**
- ① We look after them as long as they can look after themselves.
 - ② They deserve our help, so we should always put helping them first.
 - ③ Helping them depends on how much they add to our lives.
 - ④ We help them only because it's our duty, not because they deserve it.
- 1455 Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.**
- ① Respect for elders begins with our friends, who teach us kindness.
 - ② Elders, including parents, are our first teachers in life.
 - ③ We learn respect for elders from our parents, who are our first teachers.
 - ④ Parents are not considered elders in our life.
- 1456 No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally.**
- ① We must love them only if they love us conditionally.
 - ② Loving others depends on who they are and where they live.
 - ③ Unconditional love means doing everything for ourselves without loving others.
 - ④ We must love them without expecting anything in return, just as they do.
- 1457 They feel honored when we appreciate their love and respect them.**
- ① They feel honored when they respect us for our love.
 - ② They feel respected when we honor their achievements.
 - ③ They feel honored when we value their love and respect.
 - ④ They feel loved when we honor them without respect.

- 1458 So, it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.**
- ① We should support them when they need us since they are not as young and strong as before.
 - ② We must help them because they are old and cannot do things alone anymore.
 - ③ Helping them is optional as they are still young and independent.
 - ④ They no longer need our help because they can still handle everything on their own.
- 1459 Taking care of grandchildren increases brain function and memory.**
- ① Taking care of grandchildren enhances both brain function and physical health.
 - ② Spending time with grandchildren improves their memory and brain function.
 - ③ Elders who take care of grandchildren benefit from increased brain function and memory.
 - ④ Taking care of grandchildren has been linked to a decline in brain function and memory.
- 1460 We must care for those who once cared for us.**
- ① We are responsible for caring for those who once showed us love and care.
 - ② Caring for those who cared for us is our duty, but not necessary all the time.
 - ③ Caring for others is a choice and not related to whether they cared for us or not.
 - ④ Those who cared for us in the past no longer need our care.
- 1461 Question generation is a reading comprehension strategy whereby readers ask and answer meaningful questions about the important points or main ideas of a text.**
- ① Question generation involves creating and answering questions related to the key ideas in a text.
 - ② This strategy requires readers to write down every detail from the text.
 - ③ Question generation is the process of answering questions provided by the teacher.
 - ④ Question generation is a reading technique focused only on answering questions, not creating them.
- 1462 Collocations tell us which words can come before or after other words. These combinations just sound 'right' to native speakers who use them all the time.**
- ① Collocations are word combinations that native speakers frequently use and sound correct to them.
 - ② Collocations are word combinations that native speakers avoid using in daily speech.
 - ③ Collocations tell us how to create new words by combining unrelated terms.
 - ④ Collocations only apply to formal English, not everyday language.
- 1463 He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart.**
- ① Hafez was named so because he memorized the Holy Quran.
 - ② Hafez was given his name because he taught the Holy Quran to others.
 - ③ Hafez's name comes from his poetry about the Holy Quran.
 - ④ He was named Hafez because he translated the Holy Quran into another language.
- 1464 Hafez is known to be the inspiration for many poets and authors around the world.**
- ① Hafez is famous for writing poems inspired by other authors.
 - ② Hafez's poetry is only influential in his home country.
 - ③ Hafez has inspired poets and authors worldwide with his works.
 - ④ Hafez is known for his inspiration but has not influenced authors globally.

1465 We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage brings a sense of belonging.

- ① Learning from our parents is unnecessary because heritage does not create belonging.
- ② Heritage only teaches us about pride and nothing else.
- ③ Our parents teach us about our heritage, which helps us feel connected to our past.
- ④ A sense of belonging comes from learning about the present, not the past.

1466 Elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much. We have a responsibility to learn from that wisdom.

- ① Elders have gained wisdom and knowledge, and it is our duty to learn from them.
- ② Elders' wisdom is no longer relevant to our generation.
- ③ We are more knowledgeable than elders because times have changed.
- ④ Learning from elders is optional as their knowledge is outdated.

1467 If today we respect our elders, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

شهریور ۱۴۰۲

- ① Children carry more values than elders.
- ② Elders respect us more than children.
- ③ Children will carry elders when they grow old.
- ④ When we respect elders, our children learn to respect us.

1468 You may or may not know of all the ups and downs our parents have faced in life but they have gained experience that is worth respecting and learning from.

خرداد ۱۴۰۳

- ① Life has been easy for our parents, so we should respect them.
- ② Our parents do not prefer to share their experiences with us.
- ③ We know everything about our parents' experience.
- ④ There are valuable things to learn from our parents.

1469 Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families.

شهریور ۱۴۰۳

- ① He had no pains and helped children to cure the sick.
- ② He tried to cure sick children and helped poor people.
- ③ He was sick and spared no pains to help friends.
- ④ He was from poor family and had no pains.

1470 We must care for those who once cared for us. " It means

دی ۱۴۰۳

- ① we should forget our friends soon
- ② we must help those who helped us
- ③ we can forget about our parents
- ④ we only need to care for ourselves

Passage 1

In Iran, teachers play a significant role in shaping the future of the country. They are not only educators but also mentors, guiding students toward knowledge, values, and success. Teaching is considered a highly respected profession, and many believe that showing gratitude and respect to teachers is essential for recognizing their efforts.

On Teacher's Day in Iran, students and families often express their appreciation by giving gifts or writing heartfelt notes to their teachers. This day serves as a reminder of the hard work and dedication that teachers put into their jobs. However, respect for teachers should not be limited to just one day. It is important to acknowledge their contributions throughout the year, as they invest their time and energy to help students reach their potential.

Teachers in Iran also face challenges, including large class sizes and limited resources. Despite these difficulties, they continue to inspire and support their students. By valuing and respecting teachers, society can ensure that their efforts are recognized and their roles are appreciated.

True / False

- 1471 Teachers in Iran are valued only on Teacher's Day.
a True b False
- 1472 Showing gratitude to teachers helps recognize their efforts.
a True b False

Choose the best answer.

- 1473 What is one way people in Iran express their gratitude to teachers?
① by organizing school trips
② by giving gifts or writing notes
③ by asking them to work more hours
④ by providing them with more teaching materials
- 1474 According to the passage, what is a challenge that teachers in Iran face?
① limited support from students
② large class sizes and limited resources
③ lack of recognition for their work
④ too many holidays during the school year

Answer the following questions.

- 1475 How do students and families show their gratitude to teachers on Teacher's Day in Iran?
.....
- 1476 Why is it important for society to respect teachers, according to the passage?
.....

واژگان کلیدی (Key Vocabulary)

- mentor راهنما
- gratitude قدردانی
- dedication فداکاری، تعهد
- acknowledge تصدیق کردن، توجه کردن به
- contribution مشارکت، تلاش
- resources منابع

عبارات کلیدی (Key Phrases)

- play a significant role نقش مهمی ایفا کردن
- express appreciation ابراز قدردانی کردن
- serve as a reminder به عنوان یادآوری عمل کردن
- face challenges با چالش‌ها مواجه بودن

ایده‌های اصلی هر پاراگراف Main Ideas (Each Paragraph)

- P1:** Teachers shape the future and guide students.
معلمان آینده را شکل می‌دهند و دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کنند.
- P2:** Teacher's Day shows thanks, but respect should be continuous.
روز معلم نشان‌دهنده تشکر است، اما احترام باید مستمر باشد.
- P3:** Teachers work hard despite difficulties.
معلمان علی‌رغم مشکلات، سخت کار می‌کنند.

ایده اصلی کل متن Main Idea (Whole Passage)

Teachers in Iran are respected for their influence on students and society, and their work should be valued all year.
معلمان در ایران به دلیل تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان و جامعه مورد احترام هستند و باید به کار آن‌ها در تمام طول سال بها داده شود.

Passage 2

Respecting elders is important in many cultures, including Iran. But respecting them does not mean you must always agree with them. While older people often have good experience and advice, sometimes their ideas are not correct or helpful.

Sometimes, older people may have old-fashioned ideas that do not work today. For example, they might tell young people not to follow certain careers or dreams because they do not understand them. In these cases, it is important to listen kindly but think carefully before doing what they say.

Respecting someone does not mean you must accept harmful advice. It is okay to disagree politely and make your own choices. True respect means listening to them and thinking about their advice, but also doing what is right for yourselves.

True / False

1477 Respecting elders means you must always do what they say.

a True b False

1478 Listening kindly to elders is part of showing respect.

a True b False

Choose the best answer.

1479 What should young people do if they receive advice that is outdated?

- 1 Follow it immediately
- 2 Ignore it without listening
- 3 Listen politely and make their own decision
- 4 Agree with it even if it's harmful

1480 What does the passage say about elders' advice on careers?

- 1 They may discourage young people because they don't understand modern jobs.
- 2 They always encourage young people to follow their dreams.
- 3 They help young people choose the best careers.
- 4 They know more about modern careers than young people.

Answer the following questions.

1481 What is true respect?

واژگان کلیدی (Key Vocabulary)

- outdated قدیمی
- old-fashioned قدیمی
- harmful مضر
- politely مؤدبانه
- accept قبول کردن، پذیرفتن
- choice انتخاب

عبارات کلیدی (Key Phrases)

- does not mean به این معنی نیست
- listen kindly با مهربانی گوش کردن
- make your own choices انتخاب‌های خود را انجام دادن

ایده‌های اصلی هر پاراگراف
Main Ideas (Each Paragraph)

P1: Respecting elders does not mean always agreeing with them.

احترام گذاشتن به بزرگترها به این معنا نیست که همیشه با آن‌ها موافق باشید.

P2: Some elders' advice may be outdated and unsuitable today.

برخی توصیه‌های بزرگان ممکن است امروز قدیمی و نامناسب باشند.

P3: True respect includes polite disagreement and personal choice. احترام واقعی شامل اختلاف نظر مؤدبانه و انتخاب شخصی است.

ایده اصلی کل متن
Main Idea (Whole Passage)

Respecting elders is important, but it does not require always agreeing with their advice; individuals should think independently.

احترام گذاشتن به بزرگان مهم است، اما نیازمند موافقت دائمی با توصیه‌های آن‌ها نیست؛ افراد باید مستقل فکر کنند.

بخش پنجم

مهارت شنیداری

5

part five

L

istening

Listening

شنیداری

معرفی بخش شنیداری امتحان نهایی

بخش شنیداری (Listening) در امتحان نهایی شامل متون

شنیداری داخل و خارج از کتاب درسی است. فایل صوتی ۳ بار پخش می‌شود و سؤالات متنوعی دارد:

• درست / غلط (True / False)

• سؤالات چندگزینه‌ای (Multiple Choice)

• جای خالی (Fill in the Blanks)

باید عبارت را با کلمه مناسب کامل کنید. (که البته در سال‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده است).

• پاسخ کوتاه (Short Answer Questions)

معمولاً باید با یک یا چند کلمه پاسخ دهید.

راهبردهای موفقیت در بخش شنیداری

۱. قبل از شنیدن (Before Listening)

• متن سؤالات را با دقت بخوانید و زیر کلمات کلیدی خط بکشید.
• نوع سؤال را تشخیص دهید، مثلاً اگر جای خالی است، باید یک اسم، فعل یا عدد باشد.

• حدس بزنید که مکالمه یا متن درباره چه موضوعی است، مثلاً سفر، خرید، مدرسه و ...

• به گزینه‌های سؤالات تستی نگاهی بیندازید تا بدانید دنبال چه اطلاعاتی باشید و در صورت نیاز، گزینه‌هایی که از لحاظ منطقی خیلی پرت هستند را کنار بگذارید.

۲. هنگام گوش دادن (While Listening)

• بار اول (First Play):

سعی کنید موضوع کلی را درک کنید.

• سریع کلمات کلیدی را یادداشت کنید. البته به بسیاری از سؤالات

در همان بار اول هم می‌توانید پاسخ دهید.

• بار دوم (Second Play):

• روی اطلاعات جزئی تمرکز کنید: اعداد، نام‌ها، تاریخ‌ها و مکان‌ها

• پاسخ‌هایی که هنوز پیدا نکرده‌اید را یادداشت کنید.

• بار سوم (Third Play):

• پاسخ‌های خود را بررسی و اصلاح کنید.

• اگر شک دارید، منطقی‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

۳. بعد از شنیدن (After Listening)

• پاسخ‌های خود را چک کنید.

• اگر پاسخی را مطمئن نیستید، حدس بزنید - نمره منفی وجود ندارد!

• مطمئن شوید که پاسخ‌ها با متن شنیده شده همخوانی دارند.

منابع پیشنهادی برای تمرین مهارت شنیداری

• پادکست‌های ساده انگلیسی

• تمرین با نمونه سؤالات امتحان نهایی سال‌های قبل

• گوش دادن به مکالمات کوتاه انگلیسی در یوتیوب و تلاش برای

درک کلی و جزئیات

• کتاب tactics for listening هم بسیار مفید است.

با تمرین مستمر و استفاده از این استراتژی‌ها، می‌توانید در بخش

شنیداری امتحان نهایی نمره کامل بگیرید!

پرسش‌های شنیداری درس ۱

درست یا نادرست / چندگزینه‌ای / جای خالی / تشریحی

الف

اسکن کنید



LISTENING 1

تألیفی

<https://dl.gaj.ir/mp3/zoodpaz/Zaban12/1-1.mp3>

- 1712 He believes making decisions on your own is always easy.
a True b False
- 1713 His father gave him the advice that hard work leads to success.
a True b False
- 1714 He does not agree with his financial advisors' recommendations.
a True b False
- 1715 He passes on the advice he received from his father to his children.
a True b False

Key Vocabulary

- advice (مشاوره)
- decision (تصمیم)
- financial advisor (مشاور مالی)
- sound (درست)

Key Phrases

- piece of advice (نصیحت)
- make decisions (تصمیم گرفتن)
- pass on (انتقال دادن، منتقل کردن)
- on one's own (به تنهایی)

Main Idea

سخنران درباره اهمیت مشاوره در تصمیم‌گیری صحبت می‌کند و تجربیات شخصی خود را در مورد دریافت و ارائه مشاوره به اشتراک می‌گذارد.

اسکن کنید



LISTENING 2

تألیفی

<https://dl.gaj.ir/mp3/zoodpaz/Zaban12/1-2.mp3>

- 1716 Jack suggests buying Tracy a hat for her birthday.
a True b False
- 1717 Christina says they should wait until later to buy the gift.
a True b False

Key Vocabulary

- present (هدیه)
- recommend (توصیه کردن، پیشنهاد کردن)
- perfume (عطر)
- suit (مناسب بودن)
- shopping mall (مرکز خرید)

Key Phrases

- Her birthday is coming soon (تولدش نزدیک است)
- What shall we...? (چه کاری انجام دهیم؟)
- looks good on her (به او می‌آید)
- Let's go (بیا برویم)

Main Idea

جک و کریستینا در مورد این‌که چه هدیه تولدی برای تریسی بخرند بحث می‌کنند و تصمیم می‌گیرند برای او کلاه بخرند.

Jack: Do you think we should buy a present for Tracy? Her birthday is coming soon.
Christina: When is it?
Jack: July 9th. It's next Tuesday.
Christina: OK. What shall we buy her?
Jack: I recommend perfume. She loves perfume.
Christina: But she has too much at home. And we don't know which may suit her. I think a new hat will be better.
Jack: Alright. Do you know anywhere to buy one?
Christina: There's "Cutie Hatty" in the shopping mall. We will certainly find one that looks good on her.
Jack: Yes. So We can go right now.
Christina: OK. Let's go.

اسکن کنید



LISTENING 3

تألیفی

<https://dl.gaj.ir/mp3/zoodpaz/Zaban12/1-3.mp3>

1718 What does he believe families should be like in a perfect world?

- 1 They should always be rich.
- 2 They should be happy and get on well together.
- 3 They should live far apart.

1719 What problem does he mention about some families?

- 1 Brothers and sisters don't like each other.
- 2 Families don't have enough money.
- 3 Parents always agree with each other.

1720 What is his concern about single parents?

- 1 They don't send their children to school.
- 2 They get along well with their children.
- 3 They have less time to spend with their children.

1721 What does he think about the stress of modern life?

- 1 It helps families stay together.
- 2 It puts too much pressure on families.
- 3 It makes life easier for families.

1722 What does he say about family life a generation or two ago?

- 1 It seemed better.
- 2 It was full of problems.
- 3 It was worse than today.



Family! What does family mean to you? In a perfect world, all families should be happy and everyone should get on well together. I know a lot of families that have many problems. Brothers and sisters who don't like each other, parents who never talk to each other. I wonder why this is. How can you live so close to your family members and feel apart from them? There is a lot of talk in the news about the breakdown of family life. Divorce is rising everywhere in the world. This means single parents have less time to spend with their children, which creates problems. Maybe the stress of modern life puts too much pressure on families. It seems as though family life was better a generation or two ago. Is this true for families in your country?

Key Vocabulary

1. breakdown (فروپاشی)
2. divorce (طلاق)
3. single parent (والد تنها)
4. stress (استرس، فشار روحی)
5. generation (نسل)

Key Phrases

1. get on well (خوب کنار آمدن، رابطه خوبی داشتن)
2. feel apart from (احساس جدایی داشتن از)
3. rise everywhere (همه جا در حال افزایش بودن)
4. spend time with (وقت گذراندن با)
5. modern life (زندگی مدرن)

Main Idea

سخنران در مورد معنای خانواده تأمل می‌کند و چالش‌هایی را که خانواده‌های مدرن با آن‌ها مواجه هستند، مورد بحث قرار می‌دهد.

اسکن کنید



LISTENING 4

تألیفی

<https://dl.gaj.ir/mp3/zoodpaz/Zaban12/1-4.mp3>

1723 What does he say about his best friends?

- 1 They are like strangers.
- 2 They are like family.
- 3 They are not important.
- 4 They live far away.

1724 Why does he think his best friends are special?

- 1 They always give him gifts.
- 2 They all work together.
- 3 They live close by.
- 4 They grew up together and shared many experiences.

1725 What makes it hard for him to meet some friends?

- 1 They are too busy with work.
- 2 They don't like to travel.
- 3 They live in different parts of the world.
- 4 They have stopped being friends.

1726 What does he want to do in the future?

- 1 Organize a big party with all of his friends.
- 2 Visit his friends one by one.
- 3 Move closer to his friends.
- 4 Work with all his friends again.



Friends! I think I have the greatest friends in the world. They are just as important to me as family. In fact, they are my family, really. My best friends and I all grew up together and shared so many experiences together. We know everything about each other. I would do anything for my friends, and I'm sure they'd do anything for me. I'm sure there's nothing in the world that could stop us from being friends. I've also made lots of other good friends from university and the different places I've worked. They are also important to me. We are now all over the world, and it's sometimes difficult to meet each other, but we stay in touch. One day, I'd like to get all of my friends together for a big party. That'd be great fun.

Key Vocabulary

1. experience (تجربه)
2. distance (فاصله)

Key Phrases

1. grow up together (با هم بزرگ شدن)
2. do anything for
(انجام دادن هر کاری برای)
3. all over the world (در سراسر دنیا)
4. get together (دور هم جمع شدن)
5. great fun (خیلی جالب)
6. stay in touch
(در تماس ماندن، در ارتباط بودن)

Main Idea

گوینده توضیح می‌دهد که دوستان چه قدر در زندگی‌اش مهم هستند و دوستی‌های قوی چه قدر در طول زمان و فاصله دوام می‌آورند.